



پیام کارگر

شماره ۳۷
بها معادل ۶۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه اول بهمن ماه ۱۳۶۲

نیرنگ عفو عمومی

تدبیرفقه‌های جنایتکار برای فرار از مخصصه را با پیدافشای کرده و با تداوم مبارزه دفاعی در خارج برای رهایی زندانیان سیاسی تلاش نمود.

همین دلیل نیازمند صراحت دادن به سمت گیری دیپلماتی خود و لذا پذیرفتن محدودیت‌ها نسی در این رابطه است، اکنون به فاکتور مهمی تبدیل شده است. از این رو این ملاحظه مهم لحاظ اتخاذ تاکتیک سر علیه فجایع جمهوری اسلامی با بدهمواره مورد توجه شد. اگر جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند نسبت به قضاوت توده‌ها و فشار بین المللی بی‌اعتنا باشد، طبعاً در کسب اول با پذیرش عقب نشینی‌های حزی سعی در

مدعی زساد و ارحم الله ما کارگر... کبیری بهره‌ای مشکل مسطری شماش عفو زندانیان را بر محنت آورده است؟ این اقدام قبل از همه ناشی از فشار توده‌ها، افکار عمومی بین المللی و نیز مجموعه فشارهای بین المللی است که جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند مثل گذشته نسبت به آنها بی‌اعتنا باشد. افکار عمومی داخلی برای رژیمی که "بازسازی" بعد از جنگ را به هر حال باید با رگیری‌های در سطح جامعه و دادن این یا آن امتیاز انجام دهد و به

دیدار منتظری با خمینی و گفتگوی طولانی این در آنچه مسائل مهم سیاسی و فزاید از خط موداد های مهم در عرصه سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی به حساب آورد. این دیدار صافه این لحاظ دارای اهمیت نیست که منتظری تا حدی از حاکمان بورژوازی و بورژوازی درون حکومت فاصله گرفته و با به بیان دیگر دویا ره به بازی گرفته شده است، بلکه از آن رو که در طول وحوش همین دیدار است که کیا ردیگرها هسوی "عفو زندانیان" مطرح میشود. چرا رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با سرو

در صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی در صفحه ۲
برای مقابله با کشتار عمومی زندانیان سیاسی زن
والداهای عدا م‌های دسته جمعی در همه زندانها

سنئون آزاد

درگیری با خانواده‌های عدا م‌شدگان در بندرانزلی

جنبش دمکراتیک واحد: در صفحه ۱۰
واقعیت یا آرزو؟

انگلستان - اعتصاب غذای سه روزه
در صفحه ۸

مصاحبه فیدل کاسترو
با شبکه تلویزیونی NBC
در صفحه ۱۲

نامه‌ای از ایران...
در صفحه ۴

معرفی کتاب

در صفحه ۶

بدنبال قتل عام سراسری زندانیان سیاسی تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در بندرانزلی نیز اعدام می‌گردند. در مراجمه خانواده‌های اعدام شده‌ها به سپاه، به آنها می‌گویند "با ۳۵ هزار تومان بیا و بربتا مکان دفن فرزندان را بگوئیم". سرانجام پس از چندی مردم اطلاع پیدا می‌کنند که اعدام شدگان در یک گور جمعی در "کلور" (دهی نزدیک انزلی) به خاک سپرده شده‌اند. در نتیجه خانواده‌ها برای پیدا کردن جنازه‌ها به مکان مذکور می‌روند. سپاه با اطلاع از این امر به آنجا آمده و طی یک درگیری موفق می‌شود خانواده‌ها را متفرق نماید. در این درگیری تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی مدموم می‌گردند. از آنروز تعدادی پاسدار مسلح ما مورنگه‌های از این گوردستجمعی مسی - باشند و هیچ کس اجازه نزدیک شدن به مکان مذکور را نمی‌دهند. مبارزه خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان با رژیم در این شهر همچنان ادامه دارد.

آزادی و چهره پرفریب مدعیان

کشور ما به میلکه رزمندگان و آزادخواهان بدل شده است، ارتجاع از کشور و زنده‌های تنفس را تنگ کرده و از طرفی گازهای اختناق را در سراسر کشوری پراکند، هیچ نهاد دوجریه‌ای مستقل از دولت ارتجاع و برخورد را از اندک مشا و ره مردم در ایران وجود ندارد، این در حالی است که فقر و بیهوشی، بی‌سربنای و بیماری، فحشاء و گزاف، زندگی را در چتر خود گرفته است. تنها تدبیر رژیم در این میان عبارت است از جستن راههای مناسب برای ساخت و پخت با غارتگران امپریالیست و گستردن سفره بیغما برای سرمایه‌داران.

تا کی و تا کجا؟ رژیم فقیها بهتر از زهر کبسی می‌داند که تخته بندی که بتوانند این غریق منفور را رها بی بخشند، مدتها است که به خاک سفتی سبند نیست، دیگر دشمنان آزادی نیز بر این و قسوف دارند، بدین سبب بر بستر نارفایی مردم همه دار و دسته‌های مدافع استبداد، دویبیره کشی و وابستگی از راه روسته سلطنت طلبان تا رجوی در پس ماسک آزادیخواهی، برای فریفتن مردم و برای تما حسب تخت و تاج - و با کمک امکانات دیرینه سال مذهب و سلطنت - دندان به هم می‌سایند. لیسیرالهای حقیری که تنها دعویشان، تقسیم قدرت و بگانسه تلاششان، یافتن فصل مشترک اسلامی با رژیم و قانون

در صفحه ۳

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

برای مقابله با گشتا رعمومی زندان نیان سیاسی زن
و ادا مه اعدا م های دسته جمعی در همه زندانها
بپا خیزیم!

طبق اطلاعات واصله رژیم جاسکار جمهوری اسلامی در ادا مه کشور فاسی
رندسان سیاسی اسرا و بی آر آنکه در حد ما با حرا ران برآز زندانسان
سیاسی را با وسعت و ددمنشی کم نظیری عمل عام بمودا کتون طرح نسپکارا سه
با اصطلاح "با کساری" همه جا سه را در مورد رندان سیاسی بپا ده است. با
آغا رحدید محاکمه عمومی رندان سیاسی، اسرای بیهرمان زن را دسته دسته روانه
دا دکا هیای فرمایشی می کنند تا با رک گشتا رجمعی آسپا دده شود.

بر اساس اطلاعات دیگر ولس گروه بزرگ رندان زندانی بصورت دسته جمعی
اعدا م شده اند. در میان اعدا م شدگان سرریاسی با ستراره ۶ سال سی، زنان
ساردا رودختران سوخوانی برآر دایر ده که سه خو خه های اعدا م آدمکان جمهوری
اسلامی سرده شده اند.

با کساری عمومی رندسان سیاسی در رندان های بیهرمان با عمل عامیای
ددمنشا سه همچنان ادا مه دارد. در رندان سر سر ۲۵ نفر، در زندان مراغه ۱۵۰ نفر
و گروهی از رندسان در رندان سما اعدا م شده و در رندان دیزل آبا دکرما نشاه
اعدا م ها بصورت رور اید در حران است.

کشف کورهای دسته جمعی شهید در سجنل، شورآباد، رودبار، کورستان تاره
آبا درشت کوشه های از نو اهدسگان ددهده و غیر قابل انکار رعی کی هولناک و

حنایات فاسنی آدمکان رژیم جمهوری اسلامی را فاش ساخته است.
کارگران، زحمتکشان و مردم آزاده خواها ایران!
بر ادا عنراض خود را علیه گشتا رهای دسته جمعی زندانسان سیاسی رسا ت
کنند!

با همه بیرو علیه گشتا ر دسته جمعی زنان زندانی به اعتراض برخیزید!
در دفاع از جان زندانسان سیاسی به خانواده های شهیدان زندانسان
سیاسی بیوندید و به آنان بازی رسانید!

هوطنان آزاده خارج از کشور! با گسترش افشاگری واقدا مات مشترک خو
در اعتراض به گشتا ر رندانسان سیاسی و توطئه فاشیستی گشتا رعمومی زندان
زندانی انگا رعمومی جهان را علیه این حنایات هولناک بسج نما شید.

سرگون سار رژیم جمهوری اسلامی! برقرار با جمهوری دمکراتیک خ
دبیر خا سه کمیسه مرکزی سازمان کارگران انقلابی اسرا (راه کارگر)

۲۴ دیماه ۱۳۶۷

از صفحه ۱

نیرنگ عفو عمومی



ما بوردان و اتحاد است قربت می کند. چنین
سیاسی در مورد خود بر خوردند آردی رندانسان
سیاسی برآجا د شده و ما حرای عفو عمومی گند
سما سب ۲۲ پیمن اعلام شده است را با سحر شسی از
ساست فوی داسب. در اس با اصطلاح عفو عمومی
اولا رندانسان سیاسی و عادی در کنار رگدگر
آورده شده و بنا بر ما در مورد زندانسان
سیاسی شرط اصلی برای عفو شدن ردا اعتقادات
"ساق" بصورت اشات شده است. و اس بعضی
ما رعمومی در رندان و نشا ر معا عبد
رندانسان معا وم با کساری رورها اس ساس
فاسنی در اسفا دوسج در رندان زمان با حرا
در آده است. ارا این رودروایع ساس با اصطلاح
عفو با ساس سرگوب گزند سی را در معرض فشار
سرای دست سسن از اعتقادات و شرفا ساسی
خود بر ادا ده، و نقا ونی ساردا، اگر سراسس
ساست محفی کار سیای جدید جمهوری اسلامی در
ما ره رندانسا و زندانسان را اضا فک کنیم، آنکاه
با سدنکف گد ساست گشتا ر رندانسان ساسی
همرا دما بازی عفو ادا مه داسده و خواهد ادا نست.
نقش منتظری نیز در این ما نور هداست سیاست
فریب است. امری که با رسوا بودن این مه
حکومتی از هم اکنون محکوم به شکست است.

ما شوجد ملاحظات فوق ما می سب همچنان
صن ادا مه حرکات اعتراضی خود کد تا شرآت میم
خود را تا کتون در غیب را سدن رژیم پرو زدا ده و با
نشاری برخواست دما ره سئت سنا لمللی از
زندانسا، در مورد افشای ترفند جدید عفو عمومی
و سبزه در مورد همرا دودن آن با ساست کسار
دست به افشاگری رژیم، تدا وم حرکات اعتراضی و
سگیری شعار آزادی سی قد و شرط زندانسان
سیاسی با سخ ما دند سرحند حکومت فقیاست.

با پیام کارگر همکاری کنید!

نا ثب ا ما موزندان!

مدت درازی است که نقطه نظرات منتظری در
مورد "میانی فقی حکومت اسلامی" در کیپان سه
جا ب می رسد. نا ثب ا ما م! در این بحثها در زمینه
"ا حکا م و آداب زندانها" می گوید "از آنجا که
مساله زندان نیان در قوا نین غیرا سلامی رایج در
کشورهای دنیای کنونی خود یکی از مشکلات عصر
حاضر شده تا جایی که گاه هی از وجود آن نسبت سه
اساس حکومتها و نظامها احساس خطر می شود لذا
لازم است در باره شیوه های که موجب کاهش تعداد
زندانسان و زندانها می گردد مظلعه شود. . ."
(کیپان ۴ دیماه ۶۷).

جمهوری اسلامی در پی این "احساس خطر" بود
کدا "شیوه های جدید قتل عام" موجب کاهش
تعداد زندانسان" سیاسی گردید و کمر همت سه
نا سودیشان بست.

منتظری در ادا مه بحثها یش می نویسد "زنی
که مرتد شود و گشته نمی شود، بلکه کارهای دشوار سه و
وا کذا ر می کرد و در خوردنیها و آنا مبدنیها بیش از
نیاز اولیه در اختیارش قرار داده نمی شود و لباس
زیر پوشا نده می شود و سه هنگام هر نما زبها و چند
نا زمانه می رسد" (کیپان ۱۰ دی) و با این حساب
جبر دسلاق روزانه و کرسنه نگه داشتن زندانی نیز
کلا ده شرعی پیدا می شود و طبیعی است که اگر "مرتد"
در عقیده اش ثابت قدم باشد "ا لسته از او خواسته
می شود که از این کار توبه کند، اگر توبه کند آزاد

آزادی و چهره پرفریب مدعیان

نا شب اما موزندان!

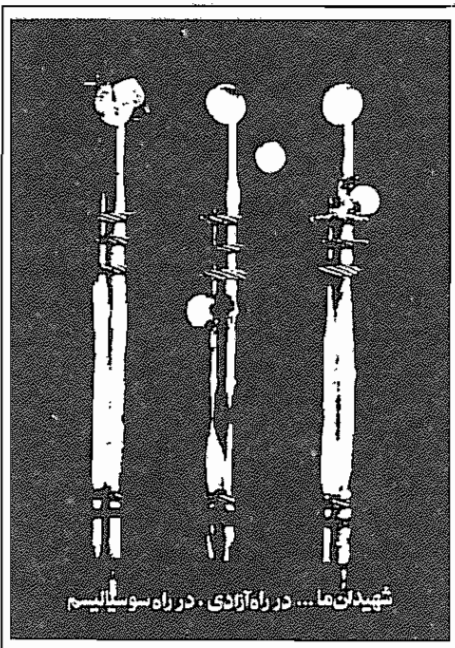
است و اگر توبه ننگند تا ابد در زندان نگاه داشته می شود در زندان نیز با بدرا و سختگیری کنند (کیهان هادی) حال میزان این سختگیری چقدر باشد عطف حیوانی حاکم شرع وابسته است. نا شب اما مدر این رسته نه آنجا می رسد که حتی علام می دارد "گاهی نیز می توان کودکان، دیوانگان و حتی چهارپایان را تا دیب کرده رچندگانه بین تا دیب شبیه زندانی کردن باشد" (کیهان ۲۹ آذر) با این حساب با سه چهارپایان دل سوزانده بعد از زنان و مردان و کودکان و دیوانگان توبت آنان خواهد رسید و طنا بد را روجه عدا مدرا انتظار آنان است. منتظری در این رساله اش به این نکته می تازد که قبل از اسلام زندان وجود نداشته است و حضرت علی "نخستین کسی است که در اسلام زندان ساخت". خنده دار آنجا است که ولی فقیه مدعی است "مجبور ساختن زندانیان به انجام مصاحبه تلویزیونی به سبکی که در روزگار ما رایج است از نظر شرعی حرام است" (کیهان هادی)، لابد این تزیین فقط دور و دوری بی خودی را شامل می گردد که خشم "رهبر آینده" را برانگیخته است.

منتشر شده است



شهیدان ما ... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

آلبوم شهیدان
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



شهیدان ما ... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمگراتیک خلق!

"لا یعقل" تشخیصی داده می شوند که با بدتحت قیومیت مثنی جانی "عقل" و "مدر" "مگودالهای نیستی و استبداد دروا نه شوند. اگر در فقه خمینی، ولایت از آن فقیه است، در فقه رجوی، حکومت به "مسئول اول" تعلق می گیرد! در همین جا و با توحه به احتمال نقض آفرینی جناح های مقهور با قا هر رژیم در سناریوی نبرنگ و فریب، با سدر خونخوا رگی و آزادی ستیزی هریک از اینان تا کیدورزید.

لسرالیهای مانده در داخل و گریخته به خارج اگر چه سنگ دمگراسی را به سینه می زنند، ولی فقط روبره صفتی خود را به نمایش می گذارند، این جماعت زمانی می توانند به موفقیت خود در عوا مفریبی مطمئن باشند، که خاطر ه سرکوب خلق قهرمان کرد و ترکمن و عرب و توسل شان به قانون اساسی اسلامی و فقیه ساخته که اینان مجریان آن بوده اند، از اذهان پاک شود!

خمینی رفتنی است هما نگونه که شاه کورسه گور شد، اما رفتن کافی نیست، راه هر کوبه ساز آمدن اینان - در هر چه روجه و جاه و شعاری - با سد مسدود شود، و این حقیقت زمانی به عمل خواهد پیوست که کارگران و زحمتکشان شهرودها با تکاء به راه خویش برسروش خوبشن حاکم شوند. زمانی که اطمینان حاصل کنند آزادی و عدالت از طرف مدعیان دروغین به آنان "تحفه" داده نمی شود.

بدیهی است که کوفتن سرطبل شعار رهسای انقلابی، چاره کار رنبروهای کمونیست، دمکرات و انقلابی نیست. با بیدر عمل طبقه رزمنده کارگرو توان لایزال او را سا زمان داد، به آن با ورداشت، آنرا به آرمانهای مطلوبشان آگاه و مجهز ساخت، با بد آنچنان کارزاری بیداد آورد که همه رنجران با ورحا صل کنند که نه فقط سوسیالیسم، بلکه دمگراسی نیز بیدون رهبری طبقه کارگر، دوا م خواهد آورد، نه تنها مبارزه با دیکتاتوری، نه تنها مبارزه متحد نیروهای انقلابی دوشا دوش زحمتکشان، بلکه مبارزه ای قاطع با رژیم حاکم - توام با افشای بیامان و بیداد منده بردشمان آزادی ورهاسی با استفاده از حتی حزبی ترین امکانات و روزنه های می توانند آسندده ای امیدبخش را منصورا زده

اساسی متحجر است، یک شبه آزاد دیخوا شده اند. آنانیکه با بیای ترین راه اعمال قدرت مردم یعنی شوراها را با عیاراتی چون "شورای بی شورا" به با دمسمخر می گرفتند، چنان از "آزادی" سخن می گویند که بلیس هم در آلودن این کلمه مقدس از اینان پس مانده است، و با لخره هستند فرمت طلبانی که هنوز با رحنایت های گذشته شان خلا می نمانده اند. آه آه زه گران استحاله دمگراتیک رژیم اسلامی پیوسته اند.

جالب آنکه، خدا انقلابون و همگامه های سرما به داران به دور بسما ن آویخته اند؛ سلطنت و مذهب، آنگاه سعی می کنند با بندورا که خوشختانه تاریخ طشت رسوایی شان را از با ما فکنده، با آزادی، هم سرشت جلوه دهند؛ آب را با آتش، شب را با روز، و زندان را با زندانی همان معرفی می کنند!

برای افشای مالموسی و نیرنگ بازی این دستجات، راه درازی نمی رویم. لحظه ای درنگ در همین موضوع زندانیان سیاسی کافیست تا بباد آوریم که بسیاری از اسیران دلاور کنونی ابتدا طعم شکنجه و زندان را در زندانهای شاهنشاهی چشیده اند. رژیم شاه به حسب ضرورت حفظ نظام غارتگرانه و آزادی کش خود، سرانگشتان اسرا را قطع می کرد و جلاد جماران، با زوانش ترا، آن دیو، جان های شریف بسیاری را خشکاند و این زد، زندگی بر افتخار شما ریشتری از مبارزان رایسه خون می کشید.

هیچ نهاد دوحزب مستقل در دوره سلطنت حق فعالیت نداشت، در رژیم اسلامی نیز نداشت، گودال فقر و فلاکت مردم را شاه حفر کرد، فقها آنرا عمیق تر کرده اند...

چه آنها که سلطنت را، نیاز "میین و وحسدت ملی" می نما یسانند و چه آنها که با ورمذهبی توده ها را به میله که حیاتشان مبدل کرده اند، در یک نقطه اطلی - والیته در هزاران جای دیگر - به هم می پیوندند: دشمنی با آزادی و سرکوب آزادیخواهان. حواریون تاج، شاه را "ظلاله" می نامند و نتیجتا سری از هر گناه و مستحق تهمین گیری فردی در باره مردم و بی نام "مردم" و "وهم بدرستی، یعنی با پیر وار کردن مثنی مفتخوار و آویختن مدال به سینه زنرالها و افزودن بر فقر و بی حقوقی مردم، "ظلاله" بودن خود را ثابت کند.

امت عمامه نیز چون حواریون تاج، رهبر و فقیرا "آیت الله" و "ولی مر" و بدنبال آن، کسی می داند که مستحق معافله کردن آبروی مردم و بی آبرویی خود با خداست. در هر دو دسته، تنها مردم

نامه‌ای از ایران ...

پای سخن مردم

بدنبال اعلام‌های برخی از شهدای مجاهدین از راه دیومجاهد که در عملیات احمقانانه و ماجراجویانه اخیر شهید شدند بیعت فدوی نقیض گذشته مبنی بر کشته شدن سران تا حدودی از طرف خودشان نیست تا شاید شکرگانه این امر به دل‌سردی و تشویش بیش از پیش در میان خانواده‌های مجاهدان سیر و فراری در مسن زده بطوریکه غالباً امید برای دیدار مجدد فرزندانشان را از دست داده و با تنفر خاصی از عملکرد رهبری سخن میگویند و ماحیه‌های تلویزیونی دستگیر شدگان در عملیات فروغ ناپایدار، در تنفر خانواده‌ها و تقریباً عموم مردم کاملاً موجه جلوه کرده است! یعنی برخلاف گذشته که وقتی افرادنا دم‌تن به ذلت ماحیه داده و پشت تلویزیون می آمدند و عمدتاً از جانب غالب مردم خصوصاً خانواده‌های مجاهدین و مبارزین اسیر، خائن و ست عنصرنا میده می شدند، اینبار جملگی عمیقاً برای آنها اظهار تاسف کرده و دقیقاً بر این باورند که با زیجه دست رجوی شده اند! و هرگز کلمه خائن را در مورد آنان بکار نمی برند! پدر یک نوجوان ۱۶ ساله مجاهد زندانی (که البته طبق گفته‌ی در حال حاضر فرزندش با گذشت ۷ سال ۲۳ ساله شده است) میگفت زمانی بود که خود من نیز شدیداً هوادار مجاهدین بودم و در محل کار روزندگیم سعی در افسانها و افکار آنها داشتم اما از روزی که فرزند ۱۶ ساله‌ام در سال ۶۰ مسلح بخانه آمد و در مدرسه راه را کرد و دو هفته بعد از آن دستگیر شدند فهمیدم که دل به چه سربازی بسته بودم، بمرم در زندان مدتها قراول لاجوردی بودم و همه‌جا همدوش وی! بطوریکه ما فکر میکردیم همین امروز و فردا آزادش میکنند اما تا امروز علیرغم ندامت در زندان است و حال است عصبی شدیدی پیدا کرده و او ادا می‌دهد اما من اکنون با این نتیجه رسیده‌ام که اگر بپرسم تنها ظرف یکماه از رجوی به لاجوردی گراشد خائن نبوده و نمیست هما نظوریکه این افرادی که در شب ماحیه میگردند خائن نیستند بلکه این خط انحرافی و خیانت‌پیشه رهبران آنهاست که بجه‌های خردسال و جوانان مردم را بدون داشتن پشتوانه فکری لازم به میدان می فرستند یعنی بین عملکرد رجوی و خمینی هیچ فرقی نیست و هر دو به فریب و سادگانندیشی جوانان تکیه کرده اند، ما در یک مجاهدان سیر که دخترش ۱۵ ساله حبس گرفته بود با اندوه و در درجا ننگا می از بهم ریختگی زندگیش صحبت میکردم در پایان هر جمله اش می گفت روز و شب به درگاه خدا این دور رهبر را لعنت و نفرین می کنم خمینی و هم رجوی رو که هر کدوم به نحوی موجب بدبختی و فلاکت این مردم‌شن! بیک بسیجی فعال که شوهر خواهرش یکی از فرماندهان سپاه است در مورد عدم انتخاب رفیق دوست وزیر سپاه میگفت: خوب شد که این دشمن وزیر نشد و الا خیلی از فرماندهان سپاه که از با ندبازی ها او خسته شده اند می خواستند استعفا بدن و همچنین از زدی ها و رشوه‌خواه ربهائی که در خرید جنگ افزارهای خارجی

در عرض این چند سال صورت گرفته خیلی ها وزارت سپاه خودشون روحا بی بستند ما فرماندهان مادی و دلسوزا ز این وضع ذله هستند اگه حرفهای امام نبود خیلی ها تا حالا استعفا میدادند ما پیام امام معنا سبت سمینا رساری فرماندهان مانع اینکار نشدوی ادا می‌دهد که رفیق دوست در برابر خواست به عده مجلسی ها؟! برای ادغام وزارت سپاه در وزارت دفاع هیچگونه عکس العملی نشون نداد در حالیکه محسن رضائی شدیداً مخالف این موضوع و همینطور وزیر جدیدی میگفت انشا الله با می‌دهد این وزیر طرفدارهای دزد و بزازری مسلک رفیق دوست را ز تووزا رتخونه تمغیه خواهد کرد.

آمدند و گشتند و سوختند

... در استخا تندبا دحوادث همچنان می‌وزد، سپرس معا خرسرت را دارنده انهدا می‌کنند، بقول خواجه "حیا ن به مردم نماند دهنما مراد!" همه‌جا مانگه‌هاست، دیگر کسی باقی نمانده که بشود ندها سدها ش دل خوش بود، از حه‌هایی که می‌شناختی هم در اعدا م کرده اند، برادران سیری و همچنان سران سیری از آرمان مستضعفین، فرماندهان اهل قان زبان که ما لیا در بند عباس در تارکخانه بود و همچنان در کرمان و اسن اوا خرد درشت، اسلامی ارجده‌های "اسلا" (از روستا های آنزلی) و حجت هوسند خسران از ماحه‌دین، فرسده‌ها نسی و سرخا لمان از حه‌های جنگ زده جنوب و جعفر هوشمند، بدون داشتن هیچ موضع گزوه‌ای، احمد موسوی معافان مسئولین اقلیت درگیلان، تیمور راوندی و همولانته‌اش ادرسان و هوشنگ قرمان، نژاد زنده‌ایا که در گوردت اعدا م شدند، بسیدن طناب دار راه‌درازی است، سرد راه می‌خواهد که هر کسی را توان آن نیست، آنچه گفتم فقط تعداد کمی بود که من می‌شناختم، افراد بسیاری هستند که اعدا م شده اند، عموماً به‌خانه‌ها اعدا م شدند و حمله ور شده اند که مرا سمنداشته‌اند، در گریه‌هایی در اسن مرا سمپا شده‌اند و اسن اوا خرمحور شده‌اند که ما موری به عنوان ناظر بگمارند، در تهمران و اصفهان و همدان و آنزلی در گریه‌هایی پیش آمده، هفته گذشته جلوی نخست وزیر تظاهرات وسیعی صورت گرفت و تعدادی از افراد با او ده‌ها دستگیر شده و تعدادی مصروب کشته‌اند، عموماً جنازه بجه‌ها شان را می‌خواهند، آنها را سر می‌دوانند و بعضی ها کفها بسجها هزار تومان بدهد جنازه تحویل نکرند در بعضی شهرها هم می‌بینیم هزار تومان می‌خواهند ولی تا حال جنازه‌ای تحویل نداده‌اند... کوسا فرمهای سز شده‌اند داده‌بودند که موضع خودشان را مشخص کنند و در عین حال وصت نامه بسوسند و ما چرا از اسن آغا زنده... بعضی از آخوندها را نیز گرفتند و نمانده‌اند بنگه موضع مردمی داشته‌اند، عموماً از جناح‌های مختلف می‌باشند... (به نقل از یک نامه از ایران)

وضعیت دا رودر جمهوری اسلامی

● در ارتباط با کمیودا روروزنا مه‌کیان ۱۹ دی ماه ۶۷ ربرتا‌ی درج نموده که نشانگر مختصری است از وضعیت دا رودر ایران، در این گزارش از حمله آمده است: کمیودا رودر جا معه، کم‌کم شکل حاد خود می‌گیرد و می‌رود تا برای مردم به یک مشکل لاینحل تبدیل شود، علم پزشکی در عصر حاضر یک پای درمان را "دارو" می‌داند که "بن‌پای" درمان فاعلا با نبودش در دا روخا نه‌ها، عملاً عرصه را سرکمانگه بسخه در دست دارند، تنگ کرده است، بیماران بر اثر این کمیودا چا ریدس از چند روز سردرگمی و رفتن از این دا روخا نه‌ها، با لآخره، سرانجام سرخسرو (مرکز توزیع داروهای کمیاب و اجتنکار شده) در آوردن و برای نمونه یک آمبول سه تومان را بیش از سی تومان خریداری کنند، در حال حاضر فضا کسردا روخا نه‌های شهرنیز آن خالی از دارو است... و سیمارنا چا راست که برای پیدا کردن دارو به خیابان نا سرخسرو مرا جعه‌کنند و با چند سرا سرقمیت دا روی موردنبا زرا شبه‌نما بد، گزاشگر بندنا ل گفتگوسا چندنا زمنددا روه سراغ یکی از پزشکان می‌رود تا علت را جویا گردد، پزشک می‌گوید "در حال حاضر داروهای فطلسی (زمستانی) مثل آنتی‌بیوتیک، شربت و غیره به ندرت پیدا می‌شود... کمیودا روه‌ها دا روخا نه‌ها رستنا نیا و حتی درمانگاه‌های دولتی نیز کسیده شده است و در اسن قبیل دا روخا نه‌ها در بعضی مواقع حتی آسیرین هم که یک مسکن سرما خوردگی است پیدا نمی‌شود...". حال اینهاست که سادانم دا روا طریق دولت وارد کشور می‌گردند و آنچه در اسن زمسته در داخل کشور تولید می‌گردد با کنترل دستگاه‌های دولتی توزیع می‌شود "حال این دا رودرنا زار آزادانه طریقسی وارد بازار می‌شود، خود معمای است" که ریشه درما هست رژیم دارد.

تصحیح و پیوزش

درج ماحیه‌ها نما بندگان میرشیلی در پیام کارگرمه ۳۵ همراه با اشتها‌تی بود که بدینویه ضمن پیوزش از خوانندگان آنرا تصحیح می‌کنیم:

۱- ستون اول و سیمی از ستون دوم تکراری است.

۲- سؤال آخر بدین نحو تصحیح می‌شود: "شما همیشه مسلخ هما هنگی و وحدت چپ انقلابی در آمریکا لاین بوده‌اید، اقدامات شما تاکنون چه نتیجه‌ای داشته است و بیامتان به نیروهای انقلابی ایرانی چیست؟"

منتشر شده است طرح جدید اساسنامه

کوس رسوائی،

حاصل "نهضت سوادآموزی"

● رژیم‌مدفرد فرهنگ و دانش فقیها سالهاست که در شیپورتسلبنا تی خویش می‌دمدکه: بسواددی در حال ریشه‌کن شدن است، این‌ها پیروی رژیم در شرایطی انجام می‌گیرد که هر ساله نه تنها از تعداد بسوادان کاسته نمی‌شود، بلکه صدها هزار نفر سر آن افزوده می‌گردد. بنا بر اظهارات مسئولین رژیم "در حال حاضر در ۲۰ هزار روستای کشور ایجاد مدرسه‌ها ملاحظه ضروری است و اگر سبجی برای حل این مشکل صورت نگیرد هر ساله حداقل ۵۰ هزار فرد واجبات‌التعلیم به تعداد بسوادان کشور افزوده خواهد شد" (به نقل از قرآشتی - نماینده خمینی در نهضت سوادآموزی - کیهان - ۱۴ ذی ۶۷). وی همچنین تاکید کرد که "در حال حاضر بنا بر آمارگیری انجام شده در ایران ۱۴ میلیون بی‌سواد وجود دارد و به خاطر نبودن امکانات آموزشی یک میلیون کودک واجب‌التعلیم در پشت درب مدارس منتظر فرصتی برای راه‌یابی به مدرسه هستند" (منع فوق). چند روز بعد از اعترافات قرآشتی، محسن میرزایی معاون نهضت سوادآموزی کشور اعتراف کرد که "در برخی از روستاهای آموزشی آموزش و پرورش هنوز بازننده" و "آمار نشان می‌دهد که ۵۰ درصد جمعیت فعال کشور بی‌سواد است" و همچنین اعلام نمود که "یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر کودکان لازم‌التعلیم در سطح کشور هنوز موفق نشده‌اند بدیه کلاسهای آموزش و پرورش راه‌یابند، بخش عمده این عده را کودکان روستایی تشکیل می‌دهد" (کیهان ۱۰ دی ۶۷) بدینوسیله بیان دیگری از ورشکستگی رژیم در امر آموزش و پرورش عیان می‌گردد، دشمنی رژیم فقیها با آگاهی و علم ریشه‌های اصلی این عقب‌ماندگی هولناک در امر مبارزه با بسواددی است. برای ریشه‌کن کردن بسواددی، باید رژیم جمهوری اسلامی را ریشه‌کن کرد!

عضو شورای عالی قضائی هم

دزدان زآب درآمد

● در حرمان سرطلا شدن دزدبهای کلان در کارخانه‌ها، تولیدکننده رونکه محرره دستگیری مدیرعامل و تعدادی از کارمندان آن کارخانه گردید؛ معلوم گردید که شخصی به نام صمدی، مسئول دبیرخانه شورای عالی قضائی با این اشخاص در ارتباط بوده و سالهاست او نیز به مردمزدی که دیگر جزو تفکیک‌ناپذیر رژیم فقیهاست مشغول بوده است. رژیم‌هاها کوشید تا مسئله را مکتوم نگه دارد ولی سرانجام در اشرافا شدن آن اعلام نمود که هیأتی برای پیگیری مسئله تعیین کرده‌اند است ولی هنوز با گذشت چند ماه از این جریان، از نتیجه آن خبری نیست و سرانجام معلوم

گسترش اعتصابات دانشجویی

● هما‌نظور که در چند ماه اخیر "پسامکارگر" آوردیم، موج اعتصابات دانشجویی در ایران در حال گسترش است. بدینال اعتصابات دانشجویان در دانشگاه شیراز، تبریز، ارومیه، تهران و... دانشجویان دوره‌های لسانی دانشگاه علوم پزشکی ایران نیز اعلام اعتصاب نمودند. دانشجویان علت امر را "اعتراض به پاره‌ای از مسائل آموزشی و اجرایی و نحوه مدیریت" اعلام نمودند. وسعت این اعتراض به آن اندازه بود که خبر آن در مطبوعات رژیم نیز با زتاب یافت. روزنامه کیهان ۵۴ دی ۶۷ علت اعتصاب را به نقل از دانشجویان چنین مطرح کرده است: "آموزش پزشکی فاقد برنامهریزی مشخصی است و فقط سبب استیفا برای متمرکز است که تعداد دانشجویان زیاد شود بدون اینکه به تعداد استادان و اعفاء هیات علمی افزوده شود. فضای آموزشی گسترش یابد، امکانات آموزشی جدید تر و بیشتری فراهم‌شود و دانشجویان در اختیار دانشجویان گذارده شود."

در ادامه بحث دانشجویان با اشاره کمبود بیمارستان برای کارهای تجربی آنان مطرح کردند که "۳۰۰۰ در بدو تا سیس این دانشگاه تنها ۸۰ دانشجوی پذیرفته‌شد، در حالی که در سال ۶۷، ۷۵۰ نفر دانشجوی پذیرفته‌شده است و معلوم است بسا کثرت دانشجویان، آئنده علم پزشکی با امکانات محدود استادان انگشت‌نما روستا روستا نیای فسل، تا چه حد تیره و مسیم خواهد بود.

۴- در اثر کفایتی بعضی از مدیران، دانشجویان پزشکی هر روزها در محله‌های تاسف‌باری در بیمارستان‌ها هستند از جمله دیده می‌شود که در بعضی بیمارستانها متخصصان و پزشکان بالای سر مریض حضور ندارند و نترن‌ها که نمی‌دانند چه کار کنند فقط تا هجان‌گدن بسا ره‌تند. دانشجویان در ادامه بحث به فرار استادان از محیط دانشگاه اشاره کرده، اعلام نمودند که "بسال ونیم است که کمک هزینه دانشجویی به دانشجویان سرداخت شده است."

در همین راستاست که روزنامه‌ها خبر از خود سوزی یک دانشجوی دانشگاه تهران، در اعتراض به وضع موجود منتشر کرده‌اند. با اخیاری که از دانشگاه‌ها می‌رسد، انتظار می‌رود که در آئنده‌ای نزدیک رژیم فقیها گسترش روزافزون جنبش دانشجویی مواجه خواهد گردید.

نگردید که ما این شخص ما حب مقام در عالی‌ترین نهاد قانونگذار کشور چه مسالهای صورت گرفته است؟ و صد البته نازی بهی گیری مساله وجود ندارد، چون حکم شده است که مستگیرند، در شهر هر آنکه هست گیرند!

دمکراسی به سبک فقیها

● همزمان با قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، رژیم اعلام نموده است که قانون احزاب، طبق آن احزاب و سازمانهای سیاسی حق فعالیت خواهند داشت، رابه‌ا اجرا خواهد گذاشت و متعاقب آن مطرح ساخت که تمام متقاضیان با بدست نام به عمل آورند.

حال سننیم تفسیر فقیها از این آزادی احزاب چیست. موسوی لاری عضو هیات رئیسه مجلس رژیم و معاون وزیر کشور در این مورد که احزاب ما رکیست چگونه فعالیت خواهند داشت گفت: "با رفتاری که بعد از پیروزی انقلاب به عمل آمد ۹۸ درصد مردم به حاکمیت اندیشه اسلامی بسر جامعه‌ها گذاشتند. حالا اگر فردی افرادی در مقام معارضه با اصولی که مردم پذیرفته‌اند تدریسند عقل سلیم حکم می‌کند که آنها جایی در جامعه نمی‌توانند داشته باشند... احزاب دارای اندیشه و فکسار ما رکیستی با غیر خدایی در همان گام اول و شرط اول که اعتقاد به قانون اساسی با فعالیت در خارج قانون اساسی است در می‌مانند... اگر بسطور تصور شود که آنها دفتر و دستکی داشته باشند تا با قانون اساسی معارضه کنند طبیعا جایی برای آنان نیست". روشن است که در ایران فقیها به ما رکیست‌های انقلابی و نه هیچ دمکرات انقلابی اجازه فعالیت نخواهند داشت، البته برای ما که هیچ توهمی را نه در سر می‌پروریم و نه در جاسعه می‌پراکنیم، مساله روشن است. ما گویا برخی یونی‌کیا بدستیده‌اند، به آنها می‌گوئیم: آقایان! خرداغ می‌کنند.

کارخانه پیژودرا ایران

● جندی پیش اعلام شد که بین کارخانه پیژودرا ایران خودریک قرار داد ۱/۵ میلیارد دلاری امضاء شده است. سخنگوی پیژودرا این رابطه گفت، "تولیداتومبیل‌های پیژودرا ۴۰۵۰۰ از اول سال ۶۸ تا ۶ هزار دستگاه در ایران آغاز می‌گردد و در سالهای آخیره ۱۰۰ هزار دستگاه می‌رسد و در پایان ۱۰ سال مجموعا قطعات ۵۰۰ هزار دستگاه اتومبیل پیژودرا مدل ۴۰۵ به ایران صادر می‌شود... در سالهای اول این قرارداد ۱۰-۱۵ درصد اتومبیل پیژودرا در ایران ساخته می‌شود. این مقدار در سالهای آخیره ۸۰ درصد در ایران خواهد رسید. لازم به ذکر است که ده سال پیش پیژودرا کارخانه تالوت انگلستان را خریداری بود و در سال گذشته تصمیم گرفت خط تولید پیژودرا در این کارخانه راه‌اندازی کند. بدینال این تصمیم دولت ایران ما شین آلات کارخانه تالوت را خریداری نمود. هم‌اکنون کارخانه پیژودرا موتورهای بیگان را که قسلا تالوت تهیه می‌کرد تولید می‌نماید. در همین رابطه سخنگوی پیژودرا اعلام داشت که تا ۶ سال آئنده نیز کارخانه پیژودرا در ایران کار خواهد داد و بعد از این مدت تالوت اتومبیل‌های بیگان از دور خارج می‌شود و جای آنها را پیژودرا ۴۰۵ خواهد گرفت."

معرفی کتاب

مجموعه شعر "اگر که باید تبعیدم کنی"، پنجاه و هفت شعر از سرودمهای "پریتیش ناندی"، شاعر انگلیسی زبان هند را شامل میشود که توسط "م. پیوند" در ۱۵۵ صفحه به فارسی برگردانده شده است. پنجاه و هفت شعر از سرودمهای گزین شده شش سال (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳) زندگی هنری شاعری که تاکنون در ایران و در جامعه شعر و ادب کشور ما شناخته نشده و برخی از جوانب شعرش توانمندی کهنظیر و ویژگی منحصر بفردی را داراست، بررسی گسترده و ژرفی را میطلبد که در این معرفی کوتاه امکان پذیر نیست. اما میتوان - در همین محدوده - بر عمومی ترین مشخصه‌های شعر "ناندی" مکت کوتاهی کرد.

با توجُّح مجموعه شعر "اگر که باید تبعیدم کنی"، این حقیقت، پیش از همه، خود می نمایاند که شعر "ناندی"، شعر امروز هند است با ریشمهای سترگ در فرهنگ دیرینه سال و غنی مردم هند؛ و نیز جایگاه ویژه‌ای در عرصه شعر امروز جهان داراست. شعر امروز هند است با ریشمهای سترگ در فرهنگ کهن این جامعه؛ از این نظر که گرچه شاعر، جوانب پوسیده و اوام مذهب این فرهنگ و سنن را به شکل گسترده و گزندای رسوا میکند و پلشتی و پلیدی چهره آن را می نمایاند، اما در عین حال غنای استعارها و ایمازهایش را از همین فرهنگ و همین سنن کسب کرده و ریشمهای شاعر، بقول خود وی از این "رودسایمها" است که "خون میکشد" و بارور میشود! این پیوند و ریشمداری شعر "ناندی" در فرهنگ مردم هند اما باعث نمی شود که شوریدگی و عصیان شاعر را پوشیده بدارد. شوریدگی؛ این برجسته‌ترین خصوصیت "ناندی" که دروازه واژه شعرش سربرمیگشاید، نه فقط شوریدگی هنرمندانه یک شاعر در برابر قوالب و قراردادهای متعارف و سنتی محیط اجتماعی اوست، که علاوه بر این، شوریدگی یک انسان عصیانی و پرتب و تاب علیه کلیه مظاهر رحتی ریشمهای فرهنگ و سنن پوشیده‌ی کشوری است که وی "عشق و غرور و شرم پنهان" خویش را از آن گرفته و در "شهر تاریک" و در همین "کشوری که فقط بوی خورش برای او آشناست و با سکوتش باید آشنا شود" و در برابرکسانی که "ناندی" درباره آنها میگوید: "درچهره‌هاشان که دیو خانه کرده است کشورم را دیدم"، این عشق و غرور و شرم پنهان را پرورده است! "م. پیوند" در مقدمه کتاب، بخوبی این نکته را با ذکر قطعاتی از شعر "ناندی" توضیح میدهد؛ آنجا که قطعه "خون، کشوری ست که تو و من به عبت دوستش داشتیم" را در کار "آی شهر تاریک! هرگز از تو جدا نخواهم شد" ذکر کرده و عصیان و خشم و بیزاری شاعر را که همواره با عشق عمیق به محیط اجتماعی و مردمش همراه است، نمایان کرده است.

و نیز جایگاه ویژه‌ای در عرصه شعر امروز جهان داراست؛ از این نظر که گرچه تعداد زیادی نیستند از میان شاعران کشورهای دیگر که اشعارشان به فارسی برگردانده شده و در ایران شناخته شده باشند، اما در میان همین معدود شاعران بزرگ جهان که شناسای مایند میتوان دریافت که شعر "ناندی" جای خود را در میان آنها باز کرده و به ویژگیهای برجسته و مہمی هم در این میان دست یافته است. صرفنظر از تشریح مقایسه‌ای شعر "ناندی" در این عرصه، به ساده‌ترین و مختصرترین بیان میتوان گفت که شعر هرشاعری اگر

بتواند با سایر ملل پیوند برقرار کند و مخاطبیتی در میان سایر ملل برای خود بیابد، طبعاً شعری است که مرزهای ملی را درنور دیده است. با خواندن همین یک مجموعه شعری که از "ناندی" به فارسی ترجمه شده نیز، این واقعیت آشکار میشود که گرچه فرهنگ جامعه ایرانی با فرهنگ و تاریخ هند، هیچ قرابتی ندارد اما شعر "ناندی" - که بدون فرهنگ و تاریخ جامعه‌اش، معنائی ندارد - در ذهن ما می نشیند و احساس و تخیل خواننده ایرانی را به جنب و جوش وامیندارد. این چیزی نیست جز توانمندی شاعری که با وجود ریشمهای کهن در فرهنگ و تاریخ و سنن ویژه جامعه‌اش، بر بال واژه‌ها مرزهای کشورش را درنور دیده و با سایر ملل، پیوندهائی برقرار کرده است.

"نگاه ویژه و ژرف ناندی به فرهنگ و سنن هند"، زبان او را سرشار از استعارهائی کرده که در واقع شالوده فرهنگ و سنن را میسازد. زبانی که به همه اشیا و همه موجودات، جان میدهد و از آنها یا با آنها سخن میگوید (نشانی از فیتیشیسم؟). تعبیرات زیبایش از صلح: "صلح، سپید و نرم به پستان‌های ستارگان مانندست... صلح، بازگوش کلامی نور و وهم آساست در شب، میان تیمهای سرخ؛ در تبیین رابطه شاعر با محیط اطراف: "شب به جستجوی من است، من در آفتاب پنهان می‌شوم؛ در توصیف باران: "باران، خاطر کبر انسانی ست که یارای روبروشنش باخورشید نیست... زوزه، برگ هاست در شبان هیجانی هشیار... باران بود و باران و نوجوی ستارگان...". گفتنیست کاین جان داشتن همه چیز برای "ناندی"، تا حد برخوردارگی از احساس در عوامل "بی‌جان" محیط، گسترده می شود. باران، زخم می خورد: "شعله‌های بی‌جان آتشی آرام، زخمهای باران را لیس می کند... و زخم خوردن باران برای "ناندی" معنائی ژرف دارد؛ به دنبال قطعه ذکر شده، بلافاصله علت زخم خوردن باران را می سراید: "همچنانکه او چنگ بر شکم دریداش زد و افتاد؛ خورشیدگی و رنگ پریده، دهکده‌ای را دید در آتش، که بیکر او را میسوزاند... باران، زخم می خورد چون صحنه درآوردی را می بیند و خورشید هم (که جان و احساس دارد) با دیدن این صحنه درآورد و دهشتناک، از حال عادی خارج میشود (گنج میشود) و رنگ از روی می دهد (غروب می شود)؛ (از شعر "آنچه از تو بود"، صفحه ۱۴۷ کتاب).

این قطعه شعر در اشعار "ناندی" نمونه‌وار نیست. تقریباً در کلیه اشعار این مجموعه، چنین ایجاز و ایماز شگفت آوری نهفته و گاه چندان به پیچیدگی میرسد که ذهن را دچار ابهام می کند! اما آنچه ابهام به چشم می آید، بزبان ویژه "ناندی" مرتبط است. به دیگر سخن، باید زبان ویژه "ناندی" را شناخت تا کلید گشایش پیچیدگی های ابهام آفرین شعرهایش را یافت. امری که میتوانست در مقدمه کتاب، توسط "م. پیوند" انجام گیرد و در شناخت زبان ویژه شاعری که در ایران هنوز شناسا نیست راهگشا باشد.

به هر روی، "پریتیش ناندی"، با مجموعه شعر "اگر که باید تبعیدم کنی" و بوسیله ترجمه زیبای "م. پیوند"، در جامعه شعر و ادب ایران، چهره گشاده و با همین مجموعه نخست، آثار ارزنده‌ای برای اهل شعر و ادب ایران به ارمغان آورده است.

چند شعر از

مجموعه «باغ وحش بزرگ»

گرستگی

این گرستگی است. جا نوری

همه چنگال و همه چشم.

نمی‌توان او را منصرف کرد یا فریفت.

با یک وعده غذا سیر نمی‌شود.

با ناها ریا شام

راضی نمی‌شود.

همیشه به خون تهدید می‌کند.

چون شیر می‌غرد، همچون ما ربوآ له می‌کند،

همچون انسان می‌اندیشد.

نمونه‌ای که می‌بینید

در هندوستان گرفته شده (در حومه بمبئی)،

اما درحالی کم و بیش وحشی

در بسیاری جاها دیگر نیز هست.

رودخانه‌ها

چنبره زده برگرد خوشی

رودخانه‌ها، رودخانه‌های مقدس، به خواب رفته اند.

می‌سپس بی‌سیاهان خود

آما زون با سرخپوستان خود.

آنان همچون قنرها می‌سترگند

بربار رکش‌های غول آسا

بچه‌ها، خنده‌کنان، برای آن‌ها

جزیره‌های کوچک سبز زنده‌ای می‌اندازند

و جنگل‌های بی‌رنگ طوطی

قایق‌های پرا زسرنشین

و رودخانه‌های دیگر.

رودخانه‌های بزرگ بیدار می‌شوند.

آهسته چنبره‌ها می‌کنند

هرچه هست می‌بلسند، تا مرز ترکیدن با دمی‌کنند،

و دوباره به خواب می‌روند.

(یک نمونه

به راستی بدیع.)

ککک

این جا نور چارپا

خاستگاهش شهر جاپلین، در میسوری است.

آدمخوار است.

بدون غذای معمولیش... سیاه پوست بریان -

سرا سرش را زوزه می‌کشد.

اما سرانجام از پا درخواهد آمد.

تغذیه‌اش ساله‌ای حل‌ناشدنی است.

سوئد - استکپلم

دنبال دریافت اخبار رکنتر دسته جمععی زندانان سیاسی توسط جانان حاکم سران موچی از اعتراضات و اقدامات برای نجات جان اسرای در دستدویرای مقابل با سکوت رسانه های ارتباط جمعی سوئد، در این رابطه، در استکپلم و شهرهای دیگر سوئد برپا گردید، اولین اقدام و واکنش را جمعی از خانواده های شهدا و زندانان سیاسی مقیم سوئد - که برخی شان بتازگی عزیزان شان را در کشتارهای اخیر رژیم زدست داده اند - با تحصن در دفتر "امنستی" Amnesty " آغاز کردند و از تمامی ارگانهای مدافع حقوق بشرو معامع بین المللی ذیربط سویژه از عفو سبنا لملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و صلیب سرخ خواستند که: ۱- برای لغو فوری اعدام و شکنجه زندانان سیاسی ایران از تمام مکانها تشنان استفاده کنند ۲- هیئت های رادراسر وقت برای بررسی شرایط زندانهای ایران و وضعیت زندانان سیاسی گمیل دارند ۳- جنابات رژیم اسلامی را افساء و محکوم نما بند ۴- مشخصا از مسئولین عفو بین الملل شعبه استکپلم خواسته شد که یک کنفرانس موضوعی با تفاق خانواده های شهدا و اسرای سیاسی در محل دفتر عفو بین الملل ترتیب دهند.

مسئولین عفو بین الملل شعبه استکپلم بنا چهارمین خواست یعنی برپائی یک کنفرانس مطبوعاتی با تفاق خانواده شهدا و زندانان سیاسی مخالفت نمودند، آنگاه خانواده ها خود را با مطبوعات و رادیو تلویزیون تماس گرفته و آسان را به محل دفتر امنستی فراخواندند، خبرتخصن خانواده های شهدا و زندانان سیاسی به همسراه مصاحبه های با آنان در رادیو روزنامه "DN" بر تیراژترین روزنامه صبح سوئد بطور مشروح با زتاب یافت، متاسفانه این آنگه خبرنگاران کانال ۲ تلویزیون سراسری سوئد در محل تحصن حضور یافتند و مصاحبه های را نیز با برخی از خانواده های شهدا و اسرای سیاسی انجام دادند، از پخت این خبر و اخبار مربوط به کشتار زندانان سیاسی خود داری و رزیدند.

رفقای ما در استکپلم به حمایت فعال و همسه خانم از حرکت اعتراضی خانواده های شیدا و زندانان سیاسی پرداختند و با سیج گسترده حول دفاع از زندانان سیاسی با احزاب مترقی و مسئول حقوق بشر در وزارت امور خارجه سوئد تماس گرفته و اطلاعات راجع به کشتارهای اخیر رژیم لیست یکصد نفره ای از قربانان کشتار را خبر رژیم را در اختیار آن گذاشتند، در تماس با فرانسویون پارلمانی حزب کمونیست چپ "VPR" قرار شد از جانب این حزب مسئله قتل عام وسیع زندانان سیاسی در ایران در پارلمان طرح شود، به کوشش رفقای ما مقالاتی در رابطه با کشف گورهای دسته

جمعی اعدا شدگان در دروزنا مه "جنوب سوئد" "Sydsrenska" و "پرولتر" به چاپ رسید، علاوه بر این مصاحبه مشروحه در این رابطه با یکی از رفقای ما در روزنامه "پرولتر" ارگان حزب KPMI (P) درج گردید، واحد استکپلم سازمان همچنین خبرنامه های همراه با لیست هه نفره ای از قربانان کشتارهای اخیر رژیم را منتشر و در مقیاس وسیع در میان ایرانیان بخش کرد.

بدعوت خانواده های شهدا و زندانان سیاسی تظاهراتی در روز ۹ دسامبر در محل میدان مرکزی استکپلم برگزار گردید، رفتی ما به همراه حزب دمکرات - رهبری انقلابی طی اعلامیه ای حمایت خود را از این حرکت اعلام نمودند، واحد استکپلم فعلا نه خانواده ها را در برگزاری آکسیون باری نمودند، در این تظاهرات نماینده ای از کمیته مرکزی حزب کمونیست ما رکنست لنینیست های انقلابی سوئد (KPMI (P) به ابراد سخنرانی پرداخت و در سخنانش ضمن همستگی با خانواده های شهدا و زندانان سیاسی از دولت سوئد خواست که نقض حقوق بشر و کشتار زندانان سیاسی در ایران را صریحا محکوم نماید.

ملاکاردی به طول ۱۵ متر تهیه شده بود که سروری آن این عبارات به چشم می خورد "به حما مخصون در زندانهای ایران با ما ندهید"

Stoppa blodbadet i iranskafängelser این استکار شوحه بسیاری از رهگذران را بخود معطوب داشت، تظا هر کشتندگان پس از استماع سخنرانی نماینده حزب KPMI (P) و سایر خانواده های شهدا و زندانان سیاسی با برافروختن مشعلهای در دست که بسیار جلب توجه می کرد، سه راهبمانی در خیابانهای مرکزی شهر برداختند، و پس از طی چیدن خیابان به محل آغا را هبمانی با زگشته و با صدور قطعنامه ای به تظاهرات باسان دادند.

همچنین تظاهراتی در روزهای یکشنبه ۱۱ دسامبر و دوشنبه ۱۲ دسامبر علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای دفاع از زندانان سیاسی برگزار گردید، خبر هر دو تظاهرات در تلویزیون سراسری سوئد منعکس گردید.

اتریش - وین

هواداران سازمان در اطریش در اعتراض به کشتار زندانان سیاسی و برای طلب پیشمانی معامع بین المللی و ارگانهای دولتی، متن اطلاعیه مطبوعاتی سازمان را به همراه نامه های اعتراضی به نخست وزیر، وزارت خارجه، وزارت داخله اطریش و کمیسیون عالی سازمان ملل، عفو بین الملل و صلیب سرخ شعبه اطریش و آژانس خبرگزاری این کشور ارسال نمودند.

هلند - آمستردام

دسال اعتماد غذایی که استکار سازمان های سیاسی و نیروهای ترقیخواه ایرانی در محل دفتر امنستی صورت گرفت و بازتاب گسترده ای در معامع عمومی یافت، بخشی از نیروهای انقلابی و مترقی شامل هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - اقلیت، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - شورایی، وحدت کمونیستی، آرمان مستمفین، جمعیت زنان ایرانی در هلند، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و جمعی از ایرانیان انقلابی در هلند، اقدام به ارسال اعلامیه و قطعنامه آکسیون مشترک قلبی، گزارش کامل عفو بین الملل و نامه خانواده های زندانان سیاسی، برای تمامی اعضاء پارلمان، احزاب، نهادهای سازمانهای هلندی، روزنامه های برتیرا ژوسه طور کلی رسانه های همگانی نمودند، در این نامه ها ضمن توضیح وضع زندانها و کشتار دسته جمعی زندانان سیاسی از آنها خواسته شد که به دولت خود فشار بیاورند تا جمهوری اسلامی را رسما محکوم کرده، برقراری بگذارند و در همین راستا مانع سفر "فادر بروک" وزیر امور خارجه هلند به ایران که فرا راست در ماههای آینده صورت بگیرد، گردند، در این نامه سازمانهای مدکورا اعلام شده اند که کمکان با اشکال مختلف به فعلیتهای خویش در جهت افساء گری رژیم ایران اقدام خواهند داد، این سازمانها در همین رابطه اقدام به چاپ یک سولتن مشترک خبری نموده اند.

هلند - زوله

بدعوت کانون جدیدالتاسیس پناهندگان سیاسی ایران در شهر زوله - هلند، در مراسمی که در تاریخ ۳ دسامبر برگزار گردید و در آن سخنران ۲۵ ایرانی و تعدادی هلندی حضور داشتند، کانون سه افساء رژیم جمهوری اسلامی برداخته و صدای اعتراض خویش را نسبت به گسترش موج اعدام و شکنجه به گوش مردم هلند رساند، در این مراسم در کنار رسانه های هنری از قبیل موسیقی ایرانی و تئاتر، کانون گزارشی از وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و همچنین اوضاع زندانهای رژیم و اعدام های اخبار ارائه داد، این مراسم با استقبال شرکت کنندگان مواجه شده بود، در پایان با پخش اعلامیه ای از جانب خانواده زندانان سیاسی خطاب به مراکز دفاع از حقوق بشر و سازمانهای بین المللی به دو زبان انگلیسی و فارسی پایان پذیرفت.

با پیام کارگر همکاری کنید!

لندن : انگلستان

اعتصاب غذای سه روزه

ما سه منشر شد. روز سوم مراسم با بیانی نقطه اوج این آکسیون اعتراضی بود. اعتصابگران در این روز در میدان ترافالگار لندن سروری پله‌های کلیسای "سنت ماری" گرد آمدند و بخشی از آنان درون یک قفس بزرگ که سروری آن جوبه دار نصب شده بود قرار گرفتند. ۲۰۰ یادگتک سا ه رنگ که با ستاره های سرخ بهم منعل بودند به نشانه سوگ اسرای شیید در لای قفس در اهتزاز بودند. اعتصابگران در ساعات صبح با سخنرانی علامه و بحث و گفتگو با مردم، همدردی و پشتیبانی آنها را جلب کرده و هر چه سخنرانی کرده حکومت اسلامی را افساء نمودند. در این مراسم "حرمی گورسن" نماینده منرفی پارلمان انگلستان از حزب کارگرا حضور در میان اعتصابیون مستقر در قفس ضمن اسرارز همسنگی برای مردم و عا سرین میدان ترافالگار

با احوال مشترک گمته اند؛ مسجع ردا سان سانی اسرا؛ IPPA؛ او کمیته علیه اعدا میا در اسرا، اعتصاب غذای سه روزه ای ار مارخ ۵ ژانویه ۱۹۸۹ در لندن آغاز گردید. برنامه این اعتصاب غذا که همراه آکسیونهای اعتراضی مسوع نحوی سازمان داده شده بود، شامل بحمص اعتصابگران در مقابل مراکز مهم لندن در طول روز و گرد هم آئی نشانه آجا حبیب سرها مدهای حبسی و اسرا؛ حد دریک مکان معین بود.

روز اول اعتصابگران در مقابل دبیر سازمان ملل و روز دوم در مقابل ساختمان رورما مد آسی دی سدست گرد آمدند. در میان روز اول نما سندگان اعتصابگران با مر' جدید نما سدها سازمان ملل نطقه مده مربوطه را در آن ار ا شده اند. در اس روز و روزهای "مورسک اسار" و "گاردین" با اعتصابگران مذا حد کرده که همرا دعکپانی ار مراسم در اس دور و رما سه منشر گردید. سردسیر روزها مده "اسدی سدست" هم در روز دوم اعتصابیون مضا حد کرده همرا دکرا ری و عکس مراسم در آن روز

ار طریقی بلند کوسحرایی نمود، او در سخنرانی خود اشاره کرد که این مراسم برای بزرگداشت هزاران زندانی سانی است که توسط رژیم اسلامی قتل عام شده اند، ردا سانی که فقط سخا طرا اعتقاد به سوسا لسم و سخا طردنا عا ردمکراسی در پیش خود اس جنس و حیسانه نقل رسدند. او گفت "ما از دولت انگلستان می خوا هم که نازمانی که اعدا میا ادا مده شده و در اسرا ان دمکراسی نقض می شود، این سنگ را خود بخرد و هیچ قرارداد ای با اسرا ان مستعد کند." سپس آخرین بحث این برنامه که خواندن قطعنامه: شامل درخواست قطع اعدا میا، برقراری منظم ملاقات زندانیان و سدسار یک هیئت بین المللی از زندانیان ایران بود همرا بهارها کردن یادگتک ها در فضا و ترنم سرود "سرا خبرا زحما کن" به اجرا درآمد. مجموعه این برنامه سه روزه که با حمایت نیروهای مترقی انگلستان همراه بود تا شرمی می در انکار عمومی و جلب توجه مردم علیه جنایات ناسیستی حکومت اسلامی داشت.

Advertisement

Why?

Friday 6 January 1989

Atrâie Abolghasem, Colonel
Akbari: Masoud
Anvari: Bahman
Ayatollah Zadeh: Rozbeh
Vazrag: Soud

Denesh: Ahmad, Doctor
Divekhan: Rasool
Hadjar: Farzad, Doctor
Imbaly: Assadollah
Motiaht: Moham
Majors: Moham

by JANEY HULME

Iran charged
London - A group of Iranian exiles staged the second day of a three-day hunger strike outside the offices of The Independent yesterday to call attention to a programme of mass execution of political prisoners.

SPARTACIST PUBLICATION:
P.O. BOX 1041
LONDON NW5 3EU
TEL: 01-485 1396

WORKERS VANGUARD

ALERT! Mass Executions of Leftists

BLOODY HORROR IN KHOMEINI'S IRAN

Reports coming out of Iran point to a mammoth new wave of executions of leftist political prisoners now taking place in Khomeini's jails. Already, an estimated 1,200 to 1,500 have been hanged or lined up before the firing squads of the Islamic dictatorship and dumped in mass graves. In some provincial areas, the entire prison population has reportedly been massacred. Virtually every imprisoned leader of Iran's pro-Soviet Tudeh Party has been executed, and supporters of the People's Mujahedin, the Revolutionary Workers Organisation of Iran (Rahe Kargar), Iranian People's Fedayee (Majlis) and the Fedayeen Minorsity are said to have been killed in the thousands. It is now feared that the wholesale physical annihilation of political prisoners is planned by next month's tenth anniversary of the overthrow of the



Resolution of the Hunger Strike Committee in Protest at Mass Execution of 11 Prisoners in Iran
press release no 3

On the third day of the hunger strike to highlight the massacre of political prisoners in Iran we, the hunger strikers wish to protest at:

پاکستان - کراچی

برای اعتراض علیه کشتار زندان‌نیا ن سیاسی و برای سازمان دادن یک مبارزه متحد در آن مورد هواداران سازمان ما در کراچی به همراه هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و فعالین هسته قلبیت در آن شهر اعلامیه مشترکی منتشر کردند که در اینجا بخشهایی از این اعلامیه بنظر خوانندگان می‌رسد.

هموطنان آزاده و مبارزان!

ایران غرق در بحران، ایران ویرانه‌ها هم‌اکنون در سیلابی از خون دست و پا می‌زنند. درنده‌خویان حاکمان خون انقلابیون کمونیست و مبارزان جوی خون کم‌سابقه‌ای بر راه‌نندگان خسته اند. در چپار ما هم بی‌سازگاری پذیرش زبوا نهادنش بس توسط رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی هزاران تن از زندان‌نیا ن سیاسی - این فرزندان قهرمان خلق - به خوچه سربازان سیرده‌نده اند، و با که در مبادین شهرها از درخت و تیربرق و چراغ‌فالش حلقه‌آویز

آلمان فدرال

کلن :

روز پنجشنبه و جمعه ۵ و ۶ ژانویه، در مقاله محل متزای شهر کلن، نمایشگاه - مناسبت ۱۱دی" روز تجدید پیما ن با شهدای سازمان، به همراه مینشریات و گفت، معترض نمایان گذاشته شد.

در این نمایشگاه، علاوه بر گرامیداشت یاد شهدای سازمان و جنبش‌های ویژه‌ای با فشاگری علیه قتل عامی و حبس‌ناخیر در زندان‌های جمهوری اسلامی داده شده بود، اسن نمایشگاه که هر روز بمدت ۳ ساعت نمایش داده شد و شامل عکس، طرح، شعرو مطالب اطلاعاتی از اعدام، شکنجه و وضع زندانها در جمهوری اسلامی بزبانهای فارسی و آلمانی بود، مورد توجه و استقبال ایرانیان و آلمان‌سینا و دانشجویان دیگر ملیتها قرار گرفت.

بن :

روز شنبه ۷ ژانویه، در مونستر پلاتز شهر بن، نمایشگاهی بمناسبت ۱۱دی" به یاد دوگرامیداشت شهدای سازمان و جنبش بنمایش گذاشته شد. نمایشگاه عکسهای از اعدامها و شکنجه، آثار شهدای اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی، لبسیت شهدای اخیر سازمان و همچنین شهدای سازمان از ابتدا تا کنون، روابط کنونی ایران و آلمان و اسناد و طرحهای افشاگرانه علیه جمهوری اسلامی را شامل می‌شد. نشریات و اعلامیه‌های سازمان در مورد اعدام‌های دسته‌جمعی در ایران، بزبانهای آلمانی و

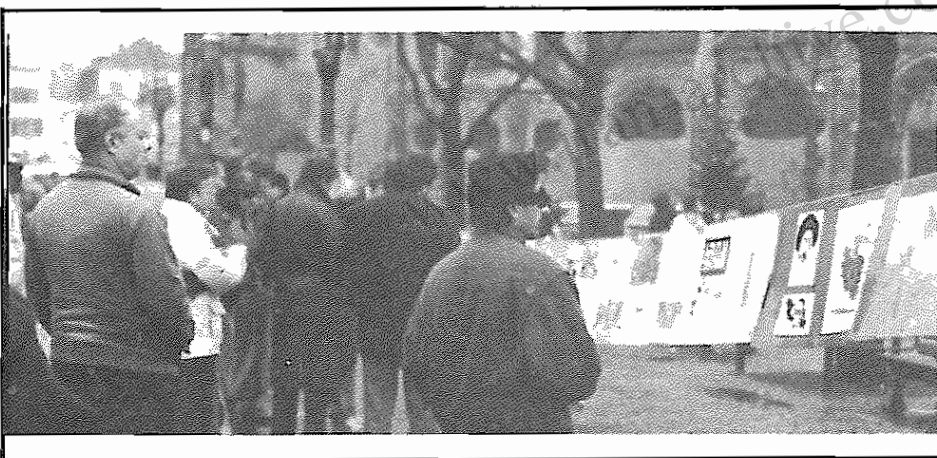
گشته‌اند، چنان‌بای که تنها و تنها سعیت درندگان تاریخ همچون نرون، چنگیز و هیتلر را به یاد می‌آورد، اما اخبار و گزارشهای جسته و گریخته‌ای که با همه ممانعت و سانسور رژیم، بسیرون درز کرده، حکایت از ابعاد دهشتناک کشتارهای اخیر دارد... پس ابعاد عظیم حقایق فوق، دیگر محلی از آرامش و سکوت برای ما باقی نمی‌گذارد. اگر موفمان را فشرده‌نسا زیم، اگر متحدان و استوار بر علی‌داین سلاب خون بسا نخیریم، و اگر ساعزمی آهنگن جلوی خون آشامان حاکم را نگیریم، بی‌تک‌بها و اجاره‌دها بیم‌که فارغ‌السال دست به درو بس از مدهزار حواندن زندگی، در زندانهای کشور زنند... اما این سیاست بعایت سباعه حمیسوری اسلامی، از آن نوع تا کنینایی نیست که بتوان همیشه آنرا بصورت آشکار و صریح‌کار گرفت، سکوت کامل رژیم در برابر اعتراضات سازمان‌های بین‌المللی، و راه‌اندختن کارنوال "زادبخواهی" و "عفو مخالفین" در هفته‌های اخیر، سخوسی بسا نکسر این مسئله است که رژیم حاکم بر ایران با وجود ما هبت قرون وسطائی‌ها قدر نیست و نمی‌تواند در برابر فشا را فکار جهانین و همچنین ایستادگی مردم

دلبر میهنمان، بی‌تفاوت باشد، ولی حقیقت - قون - یعنی به عقب نشینی و ادا نمودن رژیم - تنها می‌تواند محصول یک مبارزه متحدانه، گسترده و بی‌بگیرانه در داخل و خارج ایران باشد. امروز ما پناهندگان و آوارگان ایرانی خارج از کشور، بسا از هر زمان دیگری وظیفه داریم که با بسا رگیری اشکال متنوع مبارزاتی و اعتراضی، ضمن درهم‌شکستن سکوت معنی‌دار محافل جهانی، آنرا راه‌چه بیشتر در جریان سلاب خون ایران قرار دهیم. بسا اعدا تمام قوا از مبارزات دلیرانه زندان‌نیا ن سیاسی و خانوادها بیشان برای متوقف نمودن شکنجه و اعدام، حمایت کنیم...

مرگ سرخ‌لادان جمهوری اسلامی!

رنده‌با دآزادی - زنده‌با دسوسیا لبسم!

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کراچی
فعالین هسته قلبیت - کراچی
هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (ازادکارگر) - کراچی



قرائت شد.

اسناد این نمایشگاه که بزبانهای آلمانی و فارسی تهیه شده بود، مورد استقبال شدید بینندگان ایرانی و آلمانی قرار گرفت.

آلمان فدرال

کنستانتس :

شعادی از دانشجویان ایرانی مقیم شهر کنستانتس در تاریخ ۲۲ دسامبر برای اعتراض علیه کشتار زندان‌نیا ن سیاسی اقدام به یک راهپیمایی و تظاهرات در این شهر نمودند. دانشجویان بسا تجمع در مرکز شهر و بخش وسیع اعلامیه‌بزرگان آلمانی، چنان‌بای که حکومت اسلامی را انا کردند. این حرکت مورد توجه افکار عمومی شهر قرار گرفت.

اتریش

بناسبت سالگرد تاسس جمهوری میا بسا از طرف هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) سمیناری با شرکت‌گسی از کارهای این حزب در تاریخ ۱۷ ژانویه برگزار کردید. در این سمینار که اقرا دمترقی اتریشی و جمعی از ایرانیان و کردهای عراق و ترکیه شرکت داشتند، کار حزب دمکرات (رهبری انقلابی) ابتدا تا ریخه مختصر خلق کرد و وضعیت حرافناشی و فرهنگی آنرا توضیح داد و سپس به مبارزات خلق کرد پرداخت و سرانجام جلسه بمدت دو ساعت بسه برش و پاسخ اختتام یافت.

سنون آزاد

جنبش دمکراتیک واحد: واقعیت یا آرزو؟

از مهاجرت‌های وسیع سال ۶۲ به این سو و به موازات استقرار در خارج از کشور، سازمان‌ها و رگ‌ها در انقلابی ایران یکی از مروجین سرسخت ایده جنبش دمکراتیک واحد، یعنی جنبشی که در آن فرا سوی مرزهای ایدئولوژیک و گرایش‌های سیاسی میتوان همه نیروها را که پلاتفرم عمل مشترک دموکراتیک را می‌پذیرند گرد هم آورد، بوده است. از تحریر، منفی "جبهه دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران" در پاریس به این سو ما شاهد تکرار این تجربه در کشورهای مختلف، در کمیت‌ها، انجمن‌ها و کانن‌های متنوع و با شرکت کنندگان متنوع تری بوده ایم. کارنامه منفی این تلاشها بخوبی نشان مدهد که

سکتا ریسم و فرقه‌گرایی تا کنون بعنوان مهمترین عامل سازداری عمل نموده است و هم‌اکنون از این روایت گرایش در تمام مدت مورد بحث آماج افشاکسری و انتقاد دوسرینش قرار داشته است. اگر در گذشته دور طیف سفخا مانع اصلی در راه شکلگیری یک جنبش دموکراتیک نیرومند و توده‌ای در خارج از کشور تلقی میشد، امروزه نیروهای گوناگون دیگری نیز از جمله حزب کمونیست، طیف چپ‌لیبرال، گروهی‌های ماژوریت و... را میتوان در این لیست جا داد. بنا بر این به گمان ما می‌باید است ایده فوق چه‌طور عام و چه صورت مشخص مورد نقد قرار گرفته و در بر توجیه کثونی و با عطف توجه به سایر عوامل تصحیح شود.

آیا ایده جنبش دموکراتیک واحد خودی خود نادرست است؟ یا میتوان چندگرا بش در سطح جنبش دموکراتیک داشت؟ آیا روند فزاینده سیاسی مف‌سندی‌های متناظر در احزاب سیاسی ایران و شکلگیری احزاب و گرایش‌های سیاسی جدید در جنبش دمکراتیک سی تا شصت است؟ و بالاخره آیا هنوز میتوان سازماندهی جنبش واحد توده‌ای در خارج از کشور را هدف قابل وصول تلقی نمود؟ ایده جنبش دموکراتیک واحد چه در خارج و چه در داخل ایران و هر جا مع‌دیگری بخودی خود خطا نیست زیرا تا جایی که اهداف دموکراتیک مشترک وجود دارد، منطقاً میتوان خواستار وحدت اراده در جنبش جنبشی شد و در ایران که ما یکبار رنگ‌تکه شدن شکل‌های دمکراتیک و توده‌ای، صنفی و اتحادیه‌ای، کارگری و دانشجویی و معلمی و... را به عینه تجربه کرده ایم و عواقب تلخ و زیان‌نا را بر ما مشاهده کرده ایم، بنفس داشتن تمایل به وحدت نشان دهنده حدیث و احساس مسئولیت است. لازم‌تر است که شکلگیری اراده توده‌ای علاوه بر مجموعه‌ای از عوامل دیگر و از جمله پدیدار شدن سیمای یک آلترناتیو اشتیاقی و انقلابی در جامعه محتاج اسلوب‌های نوین و پخته، کار توده‌ای و دموکراتیک است. اسلوب‌هایی که در جوهر خود عمقاً دوا حترام‌ها را قدامت مستقل توده‌ای و به اراده توده‌ها را داشته و بنا بر این برای سازماندهی

این اراده و برای توانمندی آن بردرخواست‌های مشترک و بسیج کننده انگشت میگذارد. اگر در شرایط مفروض یکبار دیگر به نیروهای چپ فرصت ما لاهی ۶۸ تا ۶۶ داده شود، موفقیت این نیروها در اجتناب از اشتباهات خود در این سالها تا حد زیادی تا به درگیری از شیوه فرقه‌ای کار توده‌ای میباید شد. از این لحاظ در نگاه اول ما باید به این نتیجه برسیم که سیاست سازمان کارگران انقلابی ایران کا ملادرست بوده و این سازمان در افشای سکتا ریسم و فرقه‌گرایی بعنوان موانع سدکننده راه حقا نیست دارد. میگوئیم در نگاه اول، زیرا ما می‌بایست همچنین با مترهای دیگری را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم، مثلاً اینکه آیا در کنار افشاکسری تا چه حد به عمل مستقل روی آورده شده، عملی که خود حاوی طریقی اشتیاقی برای مقابله با فرقه‌گرایی باشد؟ آیا شرایط عینی و ذهنی برای تحقق شعار فوق دقیقاً مطابقت داشته اند... برای بررسی سؤالات اخیر باید یک واقعیت را به صراحت پذیرفت و آن اینست که در جنبش دموکراتیک ایران ما با بیش از یک گرایش روبرو هستیم، این خود نتیجه منطقی واقعیت دیگری است و آن اینست که در ایران، همه پیرانه‌ها، ایده‌آلها، ارزشها و... در کنار هم می‌جوشند. ما دوران کار به "سبک آلمان" را طی میکنیم و این "ما" نه یک حزب یا نهضت واحد، بلکه جنبشی است با اهداف متنوع و متفاوت در بر و راه‌های متفاوت گذشته‌مانده است و نه افق‌های روشن و اهداف تبیین شده‌ای برای آینده دارد. بنا بر این چه دلیلی دارد که امروزه بتوان با کمالاتی وحدت را رده داشت که بر سینه خود بلاکارد "انقلاب و از عمل انقلابی نام دهستم" را حمل میکنند و نسبت به این باور جدید خود فخر فخر و شوی گستاخانهای هم دارند؟ اگر سکتا ریسم حزب کمونیست نه صرفاً یک سیمای دوره کودکی که تب و تاب جریانی است که در مابقی خود به بین بست رسیده است و اگر توده‌ایهای دوازده، دیروز، برادران عقیدتی خود را در هیئت سوسال امیریا لیست‌های دیروز در زیر بیرق بی افتخار سوسال دمکراسی بازمی‌یابند آنگاه باید اینطور نتیجه‌گیری نمود که آری مردم در خواسته‌های دموکراتیک خود در مبارزات جساری خود محتاج وحدت اراده‌اند، اما این وحدت از سوی "نمایندگان" از این مردم که هنوز خود بدست‌سختی نمی‌دانند که در کجا ایستاده اند نمی‌توانند متحقق شود. این نتیجه‌گیری باید بدون تا مل در ارزیابی از دلایل ناکامی سیاست ایجاد جنبش دموکراتیک و احداث روشدود این سیاست تصحیح گردد. در اینجا اشاره‌ای گذرا به وضعیت جنبشهای دموکراتیک و توده‌ای در کشورهای دیگر برای نشان دادن اینکه یک ایده آل درست لزوماً همیشه قابل تحقق نیست، خالی از قایده نیست. در بسیاری از کشورهای اروپایی

ما در جنبش کارگری شاهد وجود چندین گرایش و چندین اتحادیه سراسری هستیم. در فرانسه، ایالتالیان، اسپانیا و... مرزبندیهای سیاسی روشنی در درون جنبش کارگری وجود دارد و ما این وضعیت را به وفور در مورد جنبش صلح، جنبش محیط زیست، جنبش جوانان و زنان و... نیز مشاهده میکنیم. اگر چه این جنبشها با مرزهای ایدئولوژیک از هم تفکیک نشده‌اند، اما مرزها و با دقت تر رنکهای سیاسی آنها را از هم جدا کرده، به این با آن حد دوری و با نزدیکی و ادائش و حد معینی از همگامی فی مابین را ممکن کرده است. این پدیده در جزئیات خود محتاج بررسی دقیقتری است اما بر مبنای یک مشاهده اولیه میتوان گفت که جنبش دموکراتیک واحد یک قاعده نیست، اگر چه میتوان آن را یک وضعیت مطلوب با شد. می‌گوئیم میتوان ندید شد، زیرا در شرایطی بسیاری کمونیستها مطلوب تر است که بر استقلال خط سیاسی خود در جنبش همگامی که در آن نیروهای دیگر قوی ترند یا فشاری کرده و حتی از آن انشعاب کنند. این که در هر مورد چه سیاستی با پیدا تا شود به

با این توضیحات باید گفت که تا جایی که مسئله بر سر مبارزه مرزبندی ایدئولوژیک در جنبش دموکراتیک است، این سیاست کاملاً بجاست و همینجا باید نتیجه گرفت که این با آن گرایش در درون جنبش دموکراتیک برای بقاء خود مجبورند که ملاکهای ایدئولوژیک را با جانبداری سیاسی معین تعویض کنند، این کار دست به نقدا زمسوی پاره‌ای از جریانات صورت گرفته و میگیرد. مثلاً جریانات چپ لیبرال که شرایط رشد خود را مساعد می‌پندارند تا به گرایش چپ دادند به گرایشات بویولیستی و سوسال دمکراتیک خام - مثل حزب کمونیست - در مورد مرزبندی‌های ایدئولوژیک خود - داری کرده و به سازماندهی جنبش خود، یعنی گرایشاتی با برنام روشن سوسال دموکراتیک پرداخته و از این رو برای جذب نیرو از توده سرگردان و بحران زده فعالین سابق چپ، کار دموکراتیک بر مبنای پلاتفرم را به پیش میکشند و تا جایی که از رنگ سیاسی گرایش خود اطمینان داشته باشند به مرزبندیهای ایدئولوژیک نمی‌پردازند. بسیاری نمونه در کنفرانسی که سال قبل در شهر فزانگفورت از سوی فعالین سابق کنفدراسیون برگزار شد، این ایده که مبنای وحدت پلاتفرم به اصطلاح خط سیاسی (!؟) است مورد مذاکره جدی قرار گرفت.

چپ لیبرالهای کهنه کار بهترازیوپولیستها و حزب کمونیست این را درک میکنند که توده خسته فعلی این سابق چپ دیگر حاضر به شرکت در جنگهای حیدری - نعمتی نیست و بعلاوه با طرح مرزبندی بر مبنای پلاتفرم این افراد گامی در جهت تدوین مبنای سیاسی برنامهای حزب خود نیز بر میدارند.

اگر تلاقق برای مرزبندی ایدئولوژیک، اقدامی است که شکست آن عیان است، ما باید منتظر باشیم که ما بر گرایشهای عقب مانده دیربسیا زود به فکر سازماندهی مستقل فراکسیون یا گرایش خود و تدقیق خط کشی های سیاسی این گرایشها برآیند، بعیند است که بعد از یکی دو سال دیگسرسر، موجودی پیدا شود که برای ورود به تشکلهای دمکراتیک مطالعه پرونده سیاسی و بررسی خطوط تاریک ذهن افراد متمایل را طلب کند! چنین موجودی حتی شایسته مبارزه ایدئولوژیک نیست و باید گذاشت که در جهل مرکب بماند، اینجا یکی از نقاطی است که خط سازماندهی جنبش دموکراتیک و احیای تصحیح شود: این خط در واقعیت مبارزه به مخالفین خود فهمانده است که در صورت جدی بودن می بایست به سازماندهی گرایش خود بر مبنای غیر ایدئولوژیک بپردازد و ملاک را بر جهت گیری و تمایل سیاسی و به بیان منجم بر پلاتفرم و برنامها عمل بگذارد. یا رگیری های گام به گام حزب کمونیست از عناصر توده ای و حتی سلطنت طلب - آنطور که در یکی از شماره های گذشته پیام کارگر نقد شده بود - دعوت این جریان از "مردم خارج از کشور" برای پذیرش پلاتفرم و جنگ وی و مخاطب قرار گرفتن مکسر "هموطنان" از سوی جریانها مختلف، نشان میدهد که به برکت مبارزه با گرایش فرقه ای و نیز سلطنت فشا رواقعیت، حدنا چیزی از واقع گرائی خود را به فرقه های ایدئولوژیک تحمیل کرده است و این دیوار ضخیم با صلاح ترک برداشته است، از این رو فشا ر مبارزه ایدئولوژیک می باید به بر روی نحوه دادن اجازه برای ورود به جنبش دمکراتیک - یعنی مرزبندی ایدئولوژیک - که بر مبنای متحدکننده این جنبش گذاشته شود، گرایشات سکتاریستی تسلطی که به ورود آنها دبرای همه کسانی که مبنای عملی مشترک را می پذیرند تن دهند، دیگر مرتکب خطای مرزبندی ایدئولوژیک نشده و از این لحاظ قابل انتقاد نیستند، همانطور که یک اتحادیه زرد هرگاه عضویت را مشروط به پذیرش یا عدم پذیرش یک دیدگاه ایدئولوژیک معین نکند، بعنوان یک اتحادیه زرد مرتکب عملی غیر دمکراتیک نشده است.

تا اینجا ی کار، بنظر ما حاصل مثبت سیاست ایجا جنبش دمکراتیک و احیای این بوده است که الفبای کار دموکراتیک را به مخالفان خود آموخته و با دقیقتر این آموزش را به آنها تحمیل کرده است، اکنون این خط می بایست به تدوین و تدقیق پلاتفرم خود بپردازد و در این راستا که می بایست با دگم دیگری مبارزه شود، این دگم این است که گویا به علت وحدت در اهداف بطور کلی، میتوان در مسورد

راههای وصول به آنها نیز وحدت داشت، در این مورد ذکر چند نمونه کمک کننده است: آیا کارگران فرانسوی در مبارزه برای خواسته های جاری خود وحدت داده اند و اگر چنین نیست چه علتی بجز گرایشات سیاسی گوناگون این کارگران موجب میشود که آنها در اتحادیه های متعددی متشکل شوند؟ آیا جنبش زنان میتوانند همواره بصورت یک جنبش واحد به حرکت درآید و یا متشکل شود؟ آیا امروز همه کارگران ایران خواستار این هستند که برای قانون کار مترقی مبارزه کنند؟ آیا جنبش حفظ محیط زیست جنبشی رنگارنگ و حاوی گرایشات مختلف نیست؟ از این نمونه ها میتوان با زهم بر شمرد این مطلقا به معنای رد ضرورت وحدت نیست، بلکه به این معنی است که ما زمان دادن توده ها حول خط سیاسی خود را تنها به شیوه جمع نمودن همه گرایشات آنها در یک قالب واحد پیش نمی بریم، گرچه برای شرایط امروز ما این شیوه از نقطه نظر اهداف کمونیستی مناسب ترین باشد، امروزه که مردم ما هنوز گامهای اولیه تحزب را تجربه نکرده اند و فعلا این سیاسی نیز هنوز جایگاه حزبی خود را نیافته اند، موکول کردن سازماندهی جنبشها به اجزای شرایط مطلوب وحدت نتیجه ای بجز این ندارد که ما مردم کارگران را در اختیار حزب دیگر بگذاریم و به آنها در مورد مفروضات وحدت شکنی انتقاد کنیم، این وحدت شکنی جزئی از پروسه ناگزیری است که در انتهای آن هر جریانی خود را با برنامه خود و نیروی متشکل شده حول خود خواهد یافت، اگر حزب کمونیست میخواهد که کارگران را برای "شوراها" متشکل کند و اگرسوسیال دموکراتها وظیفه توده ای خواهند این هستند که کارگران در مبارزات جاری خود به مرز سرخ نزدیک نشوند و به این دلیل راه خود را جدا میکنند، دلیلی ندارد که کمونیستها که خواهان سازمان دادن لشکریان انقلاب در تشکلهای مستقل توده ای و دموکراتیک هستند، خود را مشروط به شکستن "سکتاریسم" کنند، این "سکتاریسم" اکنون مضمون عقب مانده و موارا حزبی خود را از دست داده و در واقعیت زندگی گوشت و پوست اهداف برنامهای معینی را پیدا میکند، ما نباید بیش از این از توجه به مضمون کئونی و در حال شکلگیری فرقه گرائی و وحدت شکنی، مضمونی منطبق با برنامه های فرمیستی، سوسیال دمکراتیک، و یا خلق گرا غفلت کنیم.

این غفلت که تا حدی ناشی از لجاجت بخشی از چپ در پذیرش الفبای کار دموکراتیک و توده ای بوده است موجب شده که تاکنون مضمون برنامه های جنبش دموکراتیک، جنبش توده ای و کارگری در مرکز مبارزه ایدئولوژیک قرار نگیرد، مثلا محکمترین دلیل پوپولیستها و حزب کمونیست در رد نظریه سازماندهی اتحادیه ها و تشکلهای نوع اتحادیه ای در جنبش کارگری مطرحه از جانب سازمان کارگران انقلابی ایران این بوده است که این همان حرف حسزب توده است! چنین استدلال مضحکی تنها وقتی می تواند به یک برهان قاطع تبدیل شود که در مبارزه ایدئولوژیک برنامه های هر یک از مدعیان برتری

سازماندهی تشکلهای اتحادیه ای مقابله نشود. از این نمونه ها میتوان بسیار بر شمرد.

خلاصه کنیم: بنظر ما محورهای زیر را میتوان

از بررسی کارنامه سیاست سازماندهی تشکلهای دمکراتیک و توده ای و احیای اتحادیه ها کرد:

- نظریه فوق با استکاء به افشا سکتاریسم، مانع اولیه یعنی مرزبندیهای ایدئولوژیک در زمینه سازماندهی جنبش دموکراتیک و توده ای را به موضع دفاعی و عقب نشینی واداشته است.

- بطور عینی در جنبش دمکراتیک و توده -

ای چندین گرایش مبتنی بر اهداف برنامه های مختلف و حتی متضاد وجود دارند.

- گرایشات فوق اکنون بسوی تعریف نمودن

دقیق خود گام بر میدارند و با توجه به بحران هویت

بخشی بزرگ از فعالین سیاسی نیا پیدر مورد وحدت

این گرایشات خوش بین بود.

- وحدت گرایشات فوق اگر در آینده ممکن

باشد، تنها از مسیر شکلگیری مستقل هر یک از آنها

خواهد گذشت.

- در شرایط فعلی می بایست بدون فسوس

وقت به تدقیق پلاتفرم دموکراتیک را دنبال در

مقابل پلاتفرمهای فرمیستی، سوسیال دموکراتیک

و خلق گرا پرداخت و همزمان به سازماندهی مستقل

حول پلاتفرم خیر دست زد.

- مبارزه با گرایشات انحرافی در جنبش

دمکراتیک اکنون از گمان سازماندهی مستقل حول

پلاتفرم دموکراتیک کمونیستها میگذرد و از این رو

فقط چنین پلاتفرمی می بایست مبنای سازماندهی

قرار گیرد.

آذری

۱۸ دسامبر ۱۹۸۸

تصحیح و پوزش

در خبر مربوط به برگزاری نمازگاه عکس، نظرات و شب همستگی و آکسیونهای مربوط به آن در شهر وین، مندرج در نشریه پیام کارگر شماره ۳۵ صفحات ۷۶ اشتباهاتی رخ داده است که با عرض

پوزش بدین ترتیب اصلاح میشود:

سرگزار آکسیون های فوق توسط جمعی از

تشکلهای هواداری سازمانهای سیاسی و تشکلهای

دمکراتیک مقیم وین ترتیب یافته که در صفحه ۶۷ تحت

عنوان "شب همستگی با زندانیان سیاسی در ایران"

آمده است، در ضمن عکس چاپ شده در صفحه ۷۷ نیز

مربوط به نظرات ۲۶ نوا میراست که توسط

نیروهای فوق برگزار شده است.

منتشر شده است

بولتن مباحثات طرح برنامه

شماره ۱

برسد، بدون شك ما از آن حمایت کرده و تمامی تلاشها و كلكهای نظامی خود را قطع میکنیم، ولی تا زمانی که ایالت متحده مقنازیادی كلك به دولت جنایتكار "دوارته" میدهد، نمی تواند از کسی بخواهد که به انقلابیون السالوادوری كلك نشود و كلك نکند. اگر دولت ایالات متحده فكر میکند که حق دارد به ضدانقلابیون آنگولا، نیکاراگوئه و یا هر کشور دیگری كلك کند، به چه حقی از دولتهای انقلابی درخواست میکند به انقلابیون السالوادور و ۰۰۰ كلك نکنند؟ اگر ایالت متحده الگوی برپائی جنگ های كثیف نشود و به ضدانقلابیون، که ضد دولت رسمی می جنگند كلك نکند، آنوقت میتواند از دیگران هم تقاضا کند که به جنبش انقلابی كمکی نرسانند.

س : شما قصد داشتید در گفت و گوهای حاضر (پیرامون آنگولا) شرکت کنید که در ژانویه چنین نیز شد. چگونه از موقعیت کوبا بر سر میز مذاکره استفاده خواهید کرد و بر سر آنگولا پای قرارداد خواهید رفت؟
ج : مساله آنگولا روشن است. ما در آنگولا هستیم زیرا به آنها در نبرد علیه افریقای جنوبی یاری کردیم. خیلی ها در مورد آپارتاید، نژادپرستی و فاشیسم صحبت کردهاند و میکنند، اما تنها کشوری که در واقعیت، نیروی انسانی به آنجا فرستاد تا علیه آپارتاید و نژادپرستی مبارزه کنند، کوبا بوده است. بنابراین فكر میکنم که یکی از افتخارآمیزترین و شرافتمندانهترین وظایفی که يك کشور انجام داده است، کاری است که کوبا در آنگولا کرده است، ما در آنجا با وجود آنکه کشور کوچکی هستیم، حدوداً ۱۳ سال مقاومت کردیم.

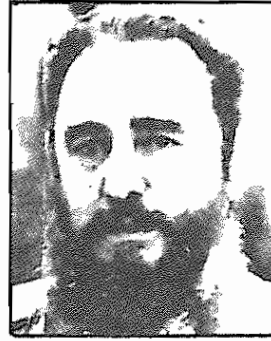
س : شما در این مورد صحبت کردید که در حال حاضر يك موافقت اصولی برای بیرون کشیدن تمامی نیروهای خارجی از آنگولا وجود دارد. امریکا میگوید که الان به زمان بندی نیاز هست.

ج : من توضیح میدهم، گروه جنوبی نیروها، همیشه مورد بحث بوده است اما هیچوقت در مورد گروه شمالی نیروها صحبتی نبوده، آنها تا مدتی نامحدود انجام دادند، اما مذاکرات متوقف شده بود، پس آنگولا و کوبا اولین کامپا را برداشتند تا این مشکل را برطرف کنند. ما آماده بودیم که خروج کامل نیروها را در يك زمان مشخص انجام دهیم اما پیش شرط هائی هم داشت. اولاً: قطع هرگونه مداخله در امور داخلی آنگولا و کلا در چند کلام، پایان دادن به جنگ كثیف بر علیه دولت قانونی آنگولا از طرف آنهايي که مسئول آن هستند، یعنی افریقای جنوبی و ایالت متحده. برای برقراری قطعنامه شماره ۲۳۵ سازمان ملل تضمین های بین المللی به آنگولا ضروری بوده است، در این صورت کوبا و آنگولا با يك قرارداد عمومی حرکت میکردند و بتدریج تمامی نیرو های نظامی کوبا از آنگولا خارج میشدند.

س : گورباچف اخیراً در سخنان خود در مورد نیازتوجه بیشتر کشورهای کمونیستی و نیز برخوردهای تازه به تشنج های موجود در جهان اشاره کرده است بویژه در مورد افغانستان و آنگولا، شما با این گفتهها موافق هستید و یا نظر دیگری دارید؟

ج : من فكر میکنم که سخنان درستی است و من با آنها موافق هستم، من اعتقاد دارم مسائل دقیقاً شبیه هم نیستند. مساله افغانستان كاملاً شبیه مساله آنگولانیست و یا مسئله کامبوج شبیه مساله آنگولا نیست، مسائل متنوع زیادی در جهان وجود دارند.

س : برخورد تازه شما چگونه خواهد بود؟
ج : من به سیاست صلح شوروی معتقد هستم و برای من نگرانی آنها برای صلح یکی از سازندهترین چیزهائی است که اخیراً رخ داده است. من معتقدم که این



مصاحبه فیدل کاسترو

با شبکه تلویزیونی NBC آمریکا

بحث قرار نداد. مجله هفتگی کراناما در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۸۸ متن این مصاحبه را منتشر نمود که خلاصه ای از آن در بولتن اطلاعاتی احزاب کمونیست بجاپ رسید. ما بمنتظر اطلاع خوانندگان از مواضع و نظرات کاسترو بخشهائی از این مصاحبه را منتشر میکنیم.

درستی تشخیص داد و جایزه صلح نوبل را به آریاس اهدا نمود. اگرچه صلح بدست نیامده اما تلاشها مثبت بود. من فكر میکنم بیشترین کامپا برای دستیابی به صلح را نیکاراگوئه برداشته است، چیزی که من خودم شاهد آن بودم.

س : من به برنامه صلح آریاس اشاره کردم، چون در ایالت متحده پراهمیت تلقی میشود. ایالت متحده چه میتواند بکند تا مطمئن شود برنامه صلح آریاس به عمل درخواهد آمد؟

ج : خوب، کسی باید دولت امریکا را متقاعد سازد که این جنگ كثیف به هیچ جا نرسد. من ساندنیست ها را میشناسم، آنها خیلی وطن پرست، ملی گرا و شجاعند، امریکا از طریق این جنگ كثیف نمیتواند آنها را از بین ببرد. اگر این جنگ ادامه پیدا کند دههاکشته برجا خواهد گذاشت اما اگر ایالت متحده مداخله کند صدها هزار کشته بر جای خواهد ماند. بنابراین کسی باید دولت امریکا را قانع کند که به پیشنهاد برنامه صلح آمیز تن بدهد، سیاستی را که دولت ریگان دنبال میکند، سیاست از بین بردن نیکاراگوئه است.

من ایمان دارم که كنگره امریکا افكار مثبت و سازندهای داشته است. من فكر میکنم که رای منفی كنگره درباره كلك مالی جدید به كنگرها یکی از سازندهترین کامپا برای برقراری صلح در آمریکای مرکزی بوده است. من ایمان دارم که مردم ایالت متحده دارای افكار خوبی هستند و اکثریت آنها بر علیه این جنگ كثیف، این سیاست غلط و دیوانهوار، بیپوده و غیرضرور و از کار افتاده ریگان بر علیه نیکاراگوئه است. من همچنین ایمان دارم که مردم ایالت متحده درحد خود فعالیت میکنند و از آنجائی که مردم بر علیه جنگ هستند، مردم باهوش ایالت متحده باید مبارزه کنند تا عقایدی برخلاف ماجراجوییهای جنگی در رابطه با این جنگ كثیف وجود داشته باشد.

س : بگذارید به سوال اصلی برگردم، اگر برنامه صلح آریاس در رابطه با پایان هر حمایت نظامی خارجی می بود و امریکا نیز آنرا می پذیرفت، آیا شما هم آنرا می پذیرفتید؟
ج : من فكر میکنم اگر تمامی حمایتهای نظامی و مداخلات مستقیم و غیر مستقیم در امریکای مرکزی به پایان

فیدل کاسترو دبیر اول حزب کمونیست کوبا و رئیس شورای وزیران جمهوری کوبا در ماه مارس مصاحبه ای با تلویزیون آمریکائی NBC انجام داد. در این مصاحبه او مسائل مختلف آمریکای مرکزی، تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی و بعضی مسائل جهان را مورد

س : بگذارید به مطلب دیگری بپردازیم. میخواهم با شما در مورد امریکای مرکزی صحبت کنم، شما از برنامه صلح "آریاس" حمایت میکنید؟

ج : ما از برنامه صلح و عقیدتی که راحل سیاسی پیشنهاد میکند، قبل از برنامه "آریاس" حمایت کردیم. قبل از برنامه "آریاس" برنامه Contadora (کونتادورا) وجود داشت. گروه کونتادورا خیلی فعالانه تلاش کرد که راحلی سیاسی برای سالک بیابد، کاری که ما همیشه از آن حمایت کردیم. برنامه آریاس نیز در همان راستا است و ما از آن حمایت میکنیم.

س : فكر میکنید برنامه صلح "آریاس" متحقق خواهد شد؟
ج : برنامه "آریاس" بی تاثیر نیز نبوده است و در این چارچوب مذاکرات مهمی صورت گرفته و تاثیراتی نیز بر روی رویدادهای رخ داده داشته است.

س : بیشترین تاثیرش چه بوده است؟

ج : برنامه "آریاس" باعث شد که دولتهای امریکای مرکزی پای گفتگو بنشینند و فكر میکنم احساسات آزادیخواهی دولتهای امریکای مرکزی، کم و بیش تحريك شده باشد، بویژه در کواتالا. من معتقدم که دولت کواتالا افكار مستقلی را حفظ کرده است و همچنین دولت کوستاریکا، چرا که قبل از آمدن آریاس، کوستاریکا به ضدانقلابیون كلك میکرده است. باندتهای ضدانقلابی آزادانه بین مرزهای نیکاراگوئه و کوستاریکا حرکت میکردند و سازمان سیا نیز از طریق کوستاریکا به آنها كلك میرساند. آریاس افكار شرافتمندانهتری دارد، افکاری مستقل، او میفهمد

که چه چیز به نفع آمریکای مرکزی بوده و بهمین دلیل سیاستهای دولت قبلی را تغییر داد. در نتیجه سه دولت با افکاری سازنده به یکدیگر نزدیک شدند، دولتهای کوستاریکا، کواتالا و نیکاراگوئه و تا حدی هم السالوادور نیز علاقه نشان داد، البته السالوادور در این اندیشه بود که چه میتواند بدست بیاورد، چون که در داخل کشور خودش نیز يك جنبش انقلابی قدرتمند وجود دارد. دولت هندوراس که بگونهای فوق العاده دست نشانده امریکاست و علاقمند است به كلكهای مالی امریکا در رابطه با پایگاههای ضدانقلاب هرچه بیشتر دست یابد، حمایت ناچیزی از برنامه آریاس بعمل آورد. بهر گونه طرح آریاس نقش پرآرزشی ایفا کرد و من فكر میکنم که کمسیون جایزه صلح نوبل، اهمیت این مساله را به

دیدماید صحبت کنید، از آنها سوال کنید آیا در اینجا قتل رخ داده است، آیا خشونت و شکنجه بر علیه زندانی وجود داشته و یا دارد؟ شکنجه توهین به ملت است، ملت ما، ملتی روشن، با فرهنگ و انقلابی است و هیچ گاه توهین به خود را تحمل نمی کند، این فقط یک دروغ شرم آور است.

س : آقای رئیس جمهور، آیا انسان هائی که به دولت انتقاد دارند و یا بر علیه دولت چیزی می نویسند، آیا آنها هم ضدانقلابی هستند و باید راهی زندان شوند؟

ج : خیر، من خودم بر علیه دولت صحبت می کنم و خیلی های دیگر نیز بر علیه دولت صحبت میکنند و به دولت انتقاداتی دارند. کسی بخاطر انتقاد به دولت به زندان نمی رود، خراب کاری بر علیه اقتصاد کشور، بر علیه کشاورزی و دیگر گره های ضد انقلابی، با انتقاد به دولت فرج میکند. فراموش نکنید، ما با قدرتمندترین کشور جهان مواجه بودیم و آنها ضد انقلاب داخلی را تحریک میکردند، چرا باید ما کسانی را که برای یک قدرت خارجی که به کشور ما حمله کرده است، عفو قائل باشیم؟

س : آیا شما فکر میکنید ایالت متحده موفق خواهد شد که با فشار بر روی کشورهای دیگر قلعهنامه ای را که حکایت از نقض حقوق بشر در کوبا دارد را به تصویب برساند؟

ج : من تا بحال ندیدم که ایالات متحده اینهمه فشار که روی ما گذاشته، روی کشوری دیگر بگذارد، ما از اقدامات ایالات متحده از طریق کشورهای دیگر و افراد دیگر مطلع هستیم، ایالات متحده از تمامی امکاناتی استفاده میکند، نه تنها از هم پیمانان خود در ناتو که چون شبکه ای مافیائی کار میکنند و همین سیاستهای دروغین امریکا را دارند، بلکه فشارهای فوق العاده ای به کشورهای امریکای لاتین و دیگر کشورهای جهان سوم، اعم از فشارهای سیاسی، اقتصادی و... می آورد، تا آنان به نفع امریکا رای بدهند، بهر حال ایالات متحده قدرتش را به آزمایش میگذارد. من میدانم که در همین رابطه بسیاری از کشورها علاوه بر ناراحتی و عصبانیت، دچار احساس حقارت نیز شده اند. گوش کنید! شولتس و وزارت امور خارجه متوجه خرابکاریهایشان شده اند، آنها میدانند هیئت آنها را در برابر کمیسیون یک تروریست و پلیس قدیمی دولت باتیستا هدایت میکند. بعد شولتس نامهای به بسیاری از سفارت های آمریکائی فرستاد تا توضیح بدهد که Valladares (رئیس هیئت) پلیس نبوده و هرگز بخاطر تروریسم محکوم نشده و این گفته ها دروغ است. ما یک کی از نامه شولتس را داریم. پانزده دروغ آنها هم از طرف وزارت امور خارجه در مورد Valladares.

س : آیا شما در چارچوب قراردادهای تسلیحاتی امریکا و شوروی به ایالات متحده اجازه خواهید داد که از مراکز نظامی شما بازدید و آنها را بررسی کند؟

ج : کدام مراکز (پایگاه)

س : که اینجا بیابند و پایگاههای موشکی را بررسی کنند؟

ج : خیر، اگر ایالات متحده بما اجازه بررسی در امریکا را بدهد ما به آنها اجازه چنین کاری را خواهیم داد، یک حق یکطرفه برای امریکا آنها جهت بررسی، پذیرش آن برای ما غیر ممکن است.

س : ما خیلی چیزها در مورد اینکه ایالات متحده تلاش دارد بر اساس خواسته های روابلش را با کوبا بهبود بخشد، میدانیم. شما در این رابطه چه خواسته های دارید؟

س : شما میدانید که گورباچف تحولاتی را در شوروی پدید آورده مثل گلاسنوست، یک جامعه بازتر و... این تحولات چه تاثیری در کوبا داشته است؟

ج : شوروی کشور بزرگی است و همه جا تاثیرگذار است، در اروپا و در ایالت متحده تاثیر گذاشته است و همینطور در جهان سوم و سایر کشورهای سوسیالیستی و کوبا و... اما ما کشوری هستیم که خودمان انقلاب کردیم و کسی این انقلاب را برای ما انجام نداد، ما خود این انقلاب را برداشتیم و در آن هنگام حتی با یک نفر از اتحاد شوروی آشنائی نداشتیم، ما همیشه دیدی مستقل نسبت به مسائل داشتیم و سیاستمان این بود که از تجارب کشورهای دیگر و انقلابات آنها سود جوئیم، اما ما کسی را در مورد اشتباهات خودمان سز نش نمی کنیم، اشتباهات ما متعلق به خودمان هست همانطور که اشتباهات شوروی در رابطه با خود آنها طرح است. همه کشورهای انقلابی اشتباهاتی داشتند. و خود آنها باید به آنها پاسخ بدهند. ما برای تمامی احزاب انقلابی و تمامی احزاب مارکسیست - لنینیست احترام قائلیم.

چینی ها کارهای زیادی در طی چند سال انجام دادند و یک روز تصمیم گرفتند سیاست های تازه ای اتخاذ و دنبال کنند و گام در راه تحولات تازه ای بگذارند، چرا که آنها اشتباهاتی مرتکب شده بودند. ما شاهد اقدامات آنها بودیم و برای آنها هم احترام قائل بودیم اما این به این معنا نبود که ما فوراً سیاست های آنها را دنبال کنیم. چنین امری در مورد اتحاد شوروی هم صادق است. ما حق نداشتیم خطاهای آنان را انجام دهیم و حالا که تصمیم گرفته شده به اشتباهات پاسخ نده شود دلیلی ندارد ما هم در حال حاضر اقدامات آنها را دنبال و یا تکرار کنیم.

س : میخواهم در مورد نکته دیگری صحبت کنم، در مورد اسناد حقوق بشر در کوبا، وزارت امور خارجه ایالات متحده طرح کرده است که سندی در دست دارد که دگرگونی هائی رخ خواهد داد، اما هنوز گره های زیادی باید انجام شود، شما در حال حاضر برخی از سازمان های حقوق بشر اینجا را در کوبا تحمل میکنید، ولی آنها میخواهند قانونی شوند، چرا آنها را قانونی اعلام نمی کنید؟

ج : چیزی که در اینجا وجود دارد یک گروه کوچک ضد انقلابی و زندانیان ضد انقلابی سابق هستند که از طرف اداره مربوطه در ایالت متحده دستور میکنند، اینجا ما هیچ سازمان حقوق بشری نداریم.

س : چرا، یک سازمان حقوق بشر کوبائی وجود دارد.

ج : یک سازمان دروغگویمان و مفتریان و اتهام زنان، سازمانی است که در اینجا وجود دارد و اینها هیچوقت قانونی نخواهند بود، این یک خوشبختی است، آنها شتی دروغگو هستند که در خدمت ایالت متحده می باشند، سازمانی که شما میگوئید چنین سازمانی است و در این رابطه نیز هیچ تغییری نده خواهد شد، ما به هرگفتنی از سوی وزارت امور خارجه امریکا در مورد تغییرات اینجا خوش آمد میگوئیم! اما اینجا تغییراتی که منظور آنهاست رخ نخواهد داد.

س : در مورد حقوق بشر هیچگونه تغییری انجام نگرفته است؟

ج : در اینجا احترام کامل به حقوق هر فرد کوبائی وجود دارد، در هیچ کشوری چون کوبا حقوق بشر رعایت نمی شود، تبلیغات در مورد خشونت و برقتاری در اینجا دروغ محنی است که دستگاههای تبلیغاتی امریکا و غرب براه انداخته اند. با آدمهایی که شما آنها را امروز

سیاست شایعات موجود را از بین برده و موانع را برطرف ساخته است. درجهائی که تا بحال تنها گمهای کوچک و موقتی ای برداشته شده بود اکنون چشم اندازهای وسیعی گشوده شده است.

س : پس شما موافق تشنج زبائی در سرتاسر جهان هستید؟

ج : کاملاً، من موافقم که سیاست "دئانت" در عرصه بین المللی دنبال شود و برای مسائل منطقی راه حل هائی پیدا شود. ما با این امر موافق هستیم اما همه چیز بستگی دارد که این امر چگونه درک و فهمیده میشود. اگر درک ایالت متحده این است که "دئانت" یعنی صلح بین ایالت متحده و شوروی و یا ایالت متحده و چین، اما جنگ بر علیه کشورهای کوچک بنابراین نباید انتظار برطرف کردن مسائل منطقی را داشت. اگر امریکا دنبال این است که دولت های انقلابی، همچون نیکاراگوئه را نابود کند، کورخوانده، مردم نیکاراگوئه هرگز تسلیم نمی شوند، همینطور در مورد آنکولا، می فهمید؟ یعنی برخورد یک طرف با مساله کافی نیست، طرف مقابل هم هست و برخورد او هم مهم است، عملکرد شوروی و کشورهای سوسیالیستی فقط کافی نیست، عملکرد ایالت متحده هم شرط است.

آیا این عملکرد ایورتونیستی است و ایالت متحده قصد دارد با قدرتهای سوسیالیستی صلح کند اما بر علیه کشورهای کوچک سوسیالیستی بجنگد؟ و جنگ را بر علیه کوبا، نیکاراگوئه و آنکولا ادامه بدهد؟ تردیدی نیست ما مبارزه را ادامه میدهیم و تا آنجائی که ضرورت باشد در برابرشان می ایستیم.

س : آیا از اینکه ایالت متحده با شوروی روابط بهتری برقرار کرده است، شما این احساس که بیرون کود هستید (شما نقش و سهمی ندارید) را نمی کنید؟

ج : نه، اصلاً، ما خیلی خوشحالیم. هر چیزی که به نفع صلح بین المللی است، غیر مستقیم به نفع ما نیز هست. هر چیزی که به نفع شوروی و پیشرفت اردوگاه سوسیالیستی است غیر مستقیم به نفع ما است، این امر جدا از حس مسئولیت ما نسبت به مسائل کشورهای سوسیالیستی، با در نظر گرفتن خطر یک جنگ هسته ای که موجود بوده و هنوز هم موجود است، مطرح است. جدا از همه اینها من ایمان دارم که از هر لحاظ سیاست صلح شوروی به سود بشریت است.

س : ولی وقتی شارونالد ریگان را می بینید...

ج : اگر هزینه ای که شوروی و کشورهای سوسیالیستی در حال حاضر صرف تسلیحات میکنند، میتوانست ذخیره شود، آنها میتوانستند در راه رشد و همکاری با کشورهای جهان سوم بگر بگیرند و از این طریق همه کشورهای جهان سوم سود می بردند. اگر در این راه رشد تکنیکی شوروی سریع پیش برود در نتیجه کشورهای مثل ما که با شوروی رابطه و همکاری خوبی دارند، سود میبرند و این امر بطور کلی به نفع ما و جهان است. اما من به تفکر حاضر دولت ایالت متحده اعتماد ندارم، من به آنها اعتماد ندارم من به حد فرصت طلبی لرون دولت ایالت متحده شک دارم و نگریمیکم و نیز میتواند امکان نداشته باشد که سیاست آنها صلح با قدرتهای بزرگ باشد و جنگ بر علیه کشورهای مترقی و سوسیالیستی در جهان اکنون گزارشی وجود دارد که طبق آن گروهی از مشاوران پنتاگون برای رشد و تکامل تسلیحات معمولی (Conventional) و تشنج های محدود و خفیف برای پیشبرد جنگهای کثیف بر علیه دولت های پیشرو دست بکارند.

اخبار خارجی

بلژیک - بروکسل

آلمان دمکراتیک

آرژانتین

یک گروه چریکی جب بنام "ارتش انقلابی خلق" سه یک یادگان در نزدیکی بوینس آیرس با بتخت آرژانتین حمله نمود، در زد و خوردی که بین چریکیا و ارتشیان صورت گرفت، ۶۳ نفر از طرفین کشته شده و تعداد بسیاری زخمی شدند.

شوروی

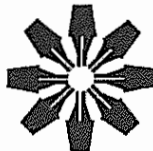
زلزله شدیدی مناطق روستایی جنوب شهر دوشنبه با بتخت جمهوری شوروی تاجیکستان را لرزاند. این زلزله که موجب بروز سیلاب نیز شد، باره ای از روستاها را دفن کرده و به علت ارتفاع زیاد روستا که بیش از ۱۰ متر می باشد، عملیات نجات را با دشواری روبرو نموده است. بر طبق آرزاسی های اولیه حداقل ۶۰۰ نفر در جریان این زلزله کشته شده اند.

اریک هونکر صدر شورای ملی آلمان دمکراتیک و رهبر حزب سوسیالیست متحده آلمان سورد رطی ملاقات خود با اسکوار کارلن نخست وزیر سوئد اعلام نمود که جمهوری دموکراتیک آلمان در نظر دارد تعداد درباریان ارتش خود را سه ۱۰۰۰ نفر کاهش داده و سزای بودجه نظامی به مقدار ۱۰٪ بکاهد. این اقدام هونکر در آلمان فدرال با استقبال احزاب بوزسیون و ثا فلگری ائتلاف راست - لیبرال هلموت کهل روبرو شده است. فشار افکار عمومی و بوزسیون چندی است که دولت آلمان فدرال را به اتخاذ مواضعی متعادل تر با منی گذشته در قبایل رودروئی دولوک ساسی و نظامی در اروپا محور کرده است. هم اکنون نیروهای ازمقات غیر رسمی و حتی مسئولین نظامی این کشور به طور خصوصی ضرورت عملیاتی بودن کاهش قوای نظامی آلمان فدرال را مورد نوحه و ناخاسیداری قرار می دهد.

اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان مشترک اروپا تصمیم گرفت که هیئت رئیسه سفیری این اجلاس با یا سرعفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در ما در بدر سما دیدار کند. این اقدام گام دیگری در جهت برسمیت شناختن عملی سازمان آزادی بخش فلسطین و تحت فشار قرار دادن اسرائیل تلقی می شود.

لبنان

به دنبال هفته های متوالی درگیری خونین بین حزب الله و مل که طی آن دهها نفر از افراد دو گروه شیعه، فوق که یکی طرفدار ایران و دیگری طرفدار سوریه هست، کشته شدند با در میان نسی وزرای خارجه ایران و سوریه، قرار داد آتش بسی امضاء شد که قرار است هر دو طرف آنها را رعایت کنند. تاکنون شوافقات مشا به بین دو گروه ارتجاعی و ضد فلسطینی فوق به جاشی نرسیده و طرفین کمی پس از حصول توافق مجدداً به نبرد با یکدیگر پرداخته اند.



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

Association des Ecrivains Iraniens «en exil»

هم میهنان!

مردم انسان دوست جهان!

نهادهای سازمان های انسانگرای همه کشورها!

سازمان ملل متحد!

سازمان مفربین الملل!

کوشش های کشورگشایانه جمهوری اسلامی ایران با پایان یافتن جنگ خانمان برانداز ایران و عراق به ناکامی انجامیده است و نظام فرمانروا بر ایران اکنون می کوشد تا، با زهر چشم گرفتن از مردم، پایه های لرزان حاکمیت خویش را از درین استوار کند. استوار کردن این پایه ها، اما، به آب و گل نیازمند است که گویا باید از خون و استخوان زندانیان سیاسی فراهم آید. جمهوری اسلامی تیک می داند که تا واپسین زندانی سیاسی در سیاهچال های دوزخی این نظام نفس می کشد، پایه های این فرمانروایی ترون و سلطانی همچنان در رهگذار طوفان خواهد بود. طبیعی است، از همین رو، که رئیس دیوان عالی کشور و رئیس شورای عالی قضائی، بر سکری رسی * ناز جبهه * اعدام یکجا و یکباره همه زندانیان سیاسی را از پیشگاه * عدالت اسلامی * تقاضا کند: * جرمش معلوم، کیفرش معلوم... چرا اعدامشان نمی کنید؟! *

بدینگونه است که در ماه های گذشته کمتر روزی بوده است که در آن، در پیوند با کشتارهای گروهی زندانیان سیاسی، از ایران خبرهای شرمی به ما نرسد. اکنون بیش از پنج ماه است که خانواده های زندانیان سیاسی از دیدار عزیزان زندانی خویش محرومند و می دانیم که در زندان های اوین، گرهردشت، رشت، مشهد، اسفهان، و در چندین و چند زندان با نام و بی نام دیگر، زندانیان سیاسی بسیاری گروهها گروه اعدام یا سر به نیست شده اند؛ و بیم آن می رود که اگر درهای زندان ها به روی خانواده های زندانیان سیاسی دگر بار گشوده آید، بر هنگام آشکار شدن که جمهوری اسلامی، چنان که سخنگوشانش بارها به طنز و طعنه ادما کرده اند: * اسلا زندانی سیاسی ندارد! *

گردانندگان جمهوری اسلامی با فراغت یافتن از جنگ چنایکارانه ایران و عراق کشتار هراس انگیز دیگری در پیش گرفته اند. و اگر آنان که در پیشگیری از این جنایت بزرگ می توانست دست به کاری بزنند، هم اکنون دست به کاری نزنند، جان های بس بیشتری تباه خواهد شد.

کانون نویسندگان ایران، به نام وجدان انسانی، از همه مردمان آزاده ایران و از همه سازمان ها و نهادهای انسانگرای همه کشورها ستاداره که از راهی که می توانند، و با همه توان خود، بکوشند تا نگذارند فرمانروایان کثرتی ایران این کشتار را همچنان ادامه دهند.

کانون نویسندگان ایران بیزه از سازمان ملل متحد و سازمان مفربین الملل چشم دارد که، در پیگیری اعلامیه حقوق بشر، گردانندگان جمهوری اسلامی را در پیوند با سرکوتخت زندانیان سیاسی ایران به پرسش گیرند و کشتار آنان را محکوم کنند.

بازدید کردن نمایندگان رسمی هر یک از این دو سازمان از زندان های ایران می تواند کفکی باشد به نجات بخشیدن جان هزاران زندانی سیاسی باز مانده که هم اکنون، در هر لحظه، در خطر سپرده شدن به چرخه های اعدامند.

هیئت دبیران

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

توضیح هیئت تحریریه

کانون نویسندگان ایران در تبعید، اعلامیه ای در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی منتشر کرده است. ما ضمن آرزوی موفقیت برای نویسندگان و همه اهله فرهنگ ایرانی در خارج از کشور، امید داریم که کانون نویسندگان ایران در تبعید با سکری اعتراضی نسبت به قتل عام زندانیان سیاسی، سهمناک خود را در انمورداد انما بد، عن اعلامیه کانون به نظر خوانندگان می رسد.

مصاحبه فییدل کاسترو... از صفحه ۱۳

ج: به اعتقاد من، ایالات متحده باید کوتاه بیاید و بعنوان یک کشور مستقل و آزاد زندگی کند، باید موجودیت کشورهای سوسیالیستی را بپذیرد و سعی نکند شرایطی را به ما تحمیل کند، چرا که در این حالت هرگز روابط ما و ایالات متحده بهبود نخواهد یافت.

س: آیا شما هرگز دست به تحولاتی نمی زنید که روابط شما با امریکا را بهبود بخشد؟

ج: چگونه تحولاتی منظور شماست؟

س: مساله وابستگی شما، وابستگی به اتحاد شوروی.

ج: خیر، ما روابط خودمان را به هیچ دلیلی با اتحاد شوروی فریبانی نخواهیم کرد. چون این ناسپاسی، فرصت طلبی و خیلی واضح، حماقت است. روابط بین ایالات متحده و کوبا هرگز در سطح روابط بین کوبا و شوروی نخواهد رسید، چرا که روابط ما با شوروی بر پایه های اصول و همبستگی استوار است و ما هرگز در چنین سطحی با یک کشور سرمایه داری انتظار برقراری روابط نداریم، بنابراین ما اینکار را نمی کنیم، چرا که ناسپاسی و حماقت بوده و هست.

خلاصه شده از

Granma Weekly Review

۱۳ مارس ۱۹۸۸

دعوت تشکیل های دمکراتیک

به دعوت ۱۹ تشکل دمکراتیک ایرانیان
مقیم آلمان فدرال در روز ۱۱ فوریه ۸۹ مطابق با
۲۲ بهمن ۶۷ یک راهپیمایی اعتراضی و مراسم
بزرگداشت زندانیان سیاسی شهید در شهر فرا نکتوریت
برگزار می شود. ما ضمن حمایت از این حرکت اطلاعیه
مربوط به این مراسم را عینا درج می کنیم.

کمک های مالی

- | | |
|----------------|----------|
| کد | کمک مالی |
| عضنفر | ۵۰ مارک |
| س - س | " ۵۰ |
| سپیده | " ۱۰۰ |
| آ | " ۵۰ |
| کاظم | " ۵۰ |
| مهدخت | " ۳۰ |
| ظفر | " ۱۰۰ |
| جهان | " ۱۰۰ |
| غلام ۱۱ | " ۴۰ |
| ف - ر | " ۴۰ |
| قادر | " ۵۰ |
| سیامک | " ۶۰ |
| کزال | " ۱۴۰ |
| ب | " ۲۰ |
| پروانه | " ۱۵۰ |
| هدیه زنا شکنند | |
| محمود فلاح | ۳۲۰ کرون |
| داراب | " ۶۰۰ |
| همایون | " ۴۴۰ |
| مازیار | " ۵۵۰ |
| ز | " ۷۲۰ |
| خوشدا سن | " ۵۳۰ |
| عبدالله | " ۸۲۰ |
| عادل | " ۶۳۰ |
| فدایشان | " ۱۰۰ |
| مراد | " ۴۰۰ |
| زابینه | ۵۰ مارک |
| غ - ر | ۵۰ مارک |
| س - س | " ۱۰۰ |
| س - ه | " ۱۰۰ |
| ظفر | " ۱۰۰ |
| شماره ۱۰ | " ۵۰ |
| ک - م | " ۵۰ |
| س - ک | " ۶۰ |
| ف - ر | " ۴۰ |
| ق - د | " ۵۰ |
| علی آلابا ما | ۱۵۰ دلار |
| آرش نیویورک | " ۱۶۰ |
| آراز | ۲۳۰ کرون |
| مازیار | " ۲۲۰ |
| عبدالله | " ۵۸۰ |
| رحمت | " ۲۲۰ |
| داراب | " ۴۳۰ |
| همایون | " ۲۲۰ |
| عادل | " ۲۳۰ |
| فلاح | " ۲۰۰ |

در دهمین سال حاکمیت



محل سفارت: Paulsplatz Frankfurt

محل بانک: ۱۱ صبح تا ۱۲ عصر

محل سرانند: DGB-Haus Frankfurt

محل: ۱۱ صبح تا ۱۲ عصر

نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید!

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با
مبادل هزینه اشتراک، رسید بانکی پرداخت ویا وجه نقد به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	امریکا و سایر نقاط بایست هواشی
راه کارگر ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۵ مارک ۵۰ "	۳۱ مارک ۶۲ "
راه کارگر بین المللی راه کارگر بینان انگلیسی (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۸ مارک ۱۶ "	۱۰ مارک ۲۰ "
پیام کارگر ارگان کمیته خاور (۱۵روزه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۸ مارک ۵۶ "	۳۳ مارک ۶۶ "

آدرس:

شماره حساب بانکی:

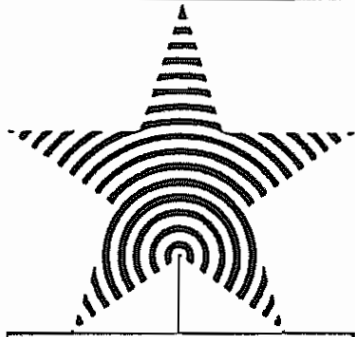
Postfach 650226
1BERLIN 65

H. Soltanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 10070000 -
Konto-Nr: 5208533

نام و نشانی کامل مشترک:

لطفاً تغییر نشانی تا زمان اطلاع دهید!





صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

- ★ برنامۀ صدای کارگر هر شب ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری با ۴ مگا هرتز پخش می گردد.
- ★ این برنامه ساعت ۱/۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می شود.
- ★ جمعه ها برنامۀ ویژه پخش می گردد.
- ★ برنامۀ صدای کارگر ویژه کردستان هر روز ساعت ۴ بعد از ظهر به زبانهای کردی و فارسی پخش می گردد.

آدرسی پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

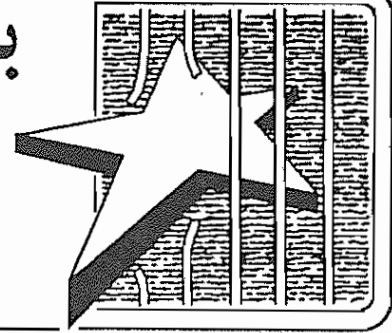
ایران فایده بزرگی بود، اما حق با او بود که می گفت "رسالت من نه آن گونه است که مرگ نقطه پایانش باشد، چرا که مرگ در راه خلق خود کمال رسالت است".

و اینک که کمونیستها در نبرد سترگ سرخ خود، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، مرگ را پذیرا می گردند و به چهره فقها تف می کنند؛ از این فرزندان مدارحمتگشان، الهام می گیرند. برای رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم یادش گرامی و نامش جاویدان است!



در صفحات ۷، ۸ و ۹

برای آزادی زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!



آلمان فدرال

دعوت تشکل های دمکراتیک برای اعتراض علیه اعدام زندانیان سیاسی ایران

در صفحه ۱۵

به یاد ارانی

با کمینترین نیز ترا داشت، با توجه به رهنمودهای کمینترین در مسیر آزماندهی هیته های مخفی گام برداشت. همین هسته ها بودند که توانستند چندین اعتصاب دانشجویی را سازماندهی کنند. خشم ارتجاع سرانجام در سال ۱۳۱۴ ساعت توقیف "دنسا" گردید، ولی هسته های ایجاد شده کار خویش را ادامه دادند و در همین زمان خود را نی بطور مخفی در کنگره هفتم کمینترین شرکت نمود.

در اوایل سال ۱۳۱۵ ارانی دستگیر میشود. در زندان بهمان یک قهرمان دلورسرا اعتقادات خودبای میفشرد، سختی ها براراده شکست ناپذیرش نتوانست کوچکترین خللی وارد کند. در آبان ۱۳۱۷، اندیشه جور و اراده پرتوان او را به پشت میز حاکمه کشانیدند. آنهم در شرایطی که فاشیسم در عرصه جهان برجسته میتاخت و در ایران دیو استبداد دنفش ها را در سینه حبس کرده بود. دکتر ارانی در دفاعیه اش معتقد خویش به دفاع از کارگران و زحمتگشان برداخته و ما انشاء جنایات دستگاه حاکمه به این نتیجه تاریخی رسید که "تنها آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد." ارتجاع بنا بر "قانون سیاه" خود، او را به اشد محارفات یعنی ۱ سال حبس مجرد محکوم کرد. ولی این تازه آغاز کار بود. نبرد در زندان ادامه یافت و رژیم در مانده از درهم شکستن اراده این فرزانه انقلابی سرانجام در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ یعنی درسی و هشتمین سال زندگیش، با تزریق آمبول هوا به حیاطش خاتمه داد. مرگ این چهره نابناک برای جنش کارگری و کمونیستی

چهاردهم بهمن معادف است با سالسیر و شهادت دکتر تفتی ارانی، دستمندان انقلابی و کمونیست پرتور، یکی از رسته ترین چهره های انقلابی تاریخ معاصر ایران، ارانی در طول زندگانی کوتاه و پربار خود در عرصه ترویج اندیشه علمی مارکسستی و جد در ساداری و سایر مسائل انقلابی، نمونه والائی از جرات فکری و عملی بود. او با نشر مجله "دنسا" در سال ۱۳۱۱ شمسی، در شرایط سرکوب سیاه شاهانه دست به اقدامی متجورانه زد. این مجله در تاریخ جنش کارگری و کمونیستی



ایران نقش سازشی را در ساداری افکار انقلابی کرد. استقبال روشنگران از این مجله محدودی بود که در اندک مدتی گروه بزرگی دور آن گرد آمدند. دکتر ارانی در این زمان که در ارتش